



نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور
سال ششم خرداد/تیر ۶۶ زوای ۸۷ شماره ۵۲

گرامی باد خاطره رفیق کبیر حمید اشرف و همرزمانش





اطلاعیه

در تاریخ ۶۶/۱/۱ یکی از اعضای کمیته مرکزی سازمان معروف به "توکل" از عضویت خود در کمیته مرکزی سازمان استعفا داد و در همان تاریخ مرکزیت سازمان با استعفای وی موافقت نمود. نامبرده طی این مدت به عنوان عضو سازمان دست به یکسری اعمال و رفتار ضد تشکیلاتی زد و به دفعات مکرر در امور سایر بخشهای تشکیلات دخالت نمود. در همین رابطه وی بطور خودسرانه اقدام به برقراری رابطه های غیر اصولی با دیگر سازمانها نمود و در ادامه این اقدامات سازمان شکنانه هفته گذشته به قصد تصرف فرستنده "صدای فدائی" عازم محل استقرار آژانس آخوین تلاش ما چرا حویانه وی که به منظور قبضه کردن "صدای فدائی" صورت گرفت منحصر به تعطیل "صدای فدائی" شد. از این رونا میرده از تاریخ ۱۳۶۶/۳/۶ از سازمان اخراج گردید و سازمان هیچگونه مسئولیتی نسبت به وی ندارد.

کمیته مرکزی سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

۱۳۶۶/۳/۶

۱۱۹۱

۰۲ انتقال جهان به برانه

۱۰ ○ انبراسو نالسم برولبری نالطهر صداعلاسون بوده ای - اکبری

۱۲ ○ بروری براوضاع برکه س از کودتا

۲۰ ● لاری و البر لاری و لاری

۲۲ ● لاری و البر لاری و لاری

۲۴ ● لاری و البر لاری و لاری

۰۲۶ با کشورم چه رفته است .

۲۸ ○ کرانی باد

خاطره فدایی خلق
سعید سلطانپور

۲۹ ○ گزینه هایی از نریات و اطلاعیه ها

۰۲۳ نامه ای از ما کسیم گورکی

۲۶ ○ حمید اشرف

تجسم اراده

خلل ناپذیر فدایی خلق

۰۲۷ نین

در ناره

تولستوی

۴۱ ○ مویات کنکره های ۲۲ و ۲۳ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی

۴۷ ○ مشکلات پناهندگان ایرانی در ترکیه را بهتر بشناسیم

انتقال جهان به فرانسه

مسئولیت انتشار "جهان" (ارگان سراسری هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور) از این شماره به بعد به عهده رفقای هوادار در فرانسه خواهد بود. "جهان" بعنوان پر-خواننده ترین نشریه مارکسیستی (فارسی) این موقعیت و جایگاه خویش را مدیون تلاش خستگی ناپذیر و ایمان راسخ کلیه رفقای است که با اراده ای سترگ و در جهت حفظ خط سرخ سازمان پر افتخار چریکهای فدایی خلق ایران از هیچ کوششی در جهت تداوم این نشریه دریغ نورزیده اند.

انتقال "جهان" از انگلستان به فرانسه نیز با توجه به تصمیمات قبلی و روال کار نشریه "جهان" به عنوان یک ارگان هوادار و همچنین مشکلاتی که می توانست در آینده ادا مه کاری "جهان" را با دشواری - هائی مواجه نماید، صورت گرفته است. ما ضمن سپاسگزاری از زحمات رفقای هوادار در کلیه کشورها بخصوص رفقای هوادار در آمریکا و انگلستان که در رشد و ارتقاء "جهان" نقش موثری ایفا نمودند، امید-

واریم که بتوانیم با بهره گیری از همکاری کلیه نیروهای هوادار و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی، کیفیت و رزمندگی "جهان" را در راستای خط انقلابی سازمان که همانا دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران و پایداری به انترناسیونالیسم پرولتری می باشد، هرچه بیشتر ارتقاء دهیم.

ما به عنوان معتقدین و مدافعین انترناسیونالیسم پرولتری تمامی نیروی خود را همچون گذشته در راستای مبارزه قاطع علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی، دفاع از مبارزات انقلابی و آزادی بخش خلقهای تحت ستم در تمامی پهنه گیتی، دفاع از مبارزات پرولتاریای در حال ساختمان سوسیالیسم، دفاع از مبارزات انقلابی کارگران کشورهای امپریالیستی، ضمن مرزبندی قاطع با هرگونه گرایشات و جریانهای انحرافی و ریزو- نیستی چه به شکل راست و چه از نوع "چپ" بکار خواهیم برد.

در این شرایط که رژیم جمهوری اسلامی در اثر مبارزات کارگران و زحمتکشان از یک

سوی ورشدت فزاینده های درونی خود که حتی منجر به انحلال تنها حزب حاکم گردید از سوی دیگر، هرچه بیشتر در سراشیبی سقوط قرار گرفته است و نیروهای سیاسی گوناگون از طیف بورژواهای مجاهد گرفته تا اپورتونیستهای ضد انقلابی، توده ای، اکثریتی هرچه بیشتر در انظار خلقهای تحت ستم ایران افشا و بی اعتبار گردیده اند. تئوریهای رنگارنگ و فرمیستهای درون جنبش کارگری نیز نتوانسته کار به جایی ببرد. "جهان" به ما ننند سابق به موازات مبارزه - ای قاطع بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بمتابزه وظیفه اصلی خویش، بر علیه تمامی جریانات ضد انقلابی، رفرمیست، سانتریستی، مبارزه ای قاطع را جهت افشاء این نیروها و مرزبندی قاطع با آنها ادامه خواهد داد.

بدیهی است جامعه عمل پوشاندن به این وظایف تنها در چارچوب خط و برنامه انقلابی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بعنوان اصولی ترین خط مارکسیست - لنینیستی در جهت گسستن زنجیرهای سرمایه و رهایی انسان و ساختمان جامعه ای نوین عاری از استثمار یعنی سوسیالیسم و نهایتاً کمونیسم خواهد بود. ◀ ص ۳۱

اطلاعیه

هیئت تحریریه "صدای فدائی" پیرامون

آغاز مجدد برنامه‌های "صدای فدایی"



اطلاعیه هیئت تحریریه "صدای فدائی" پیرامون آغاز مجدد برنامه‌های "صدای فدائی"

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی ناگزیر برای بقای حکومت مستبدانه خود به منظور تامین منافع سرمایه‌داران، وسیادت طبقاتی بورژوازی حاکم تلاش دارد با زور سرنیزه، سرکوب و فریب توده‌ها را تداوم بخشد، بویژه به هنگامی که نفرت عمومی کارگران و زحمتکشان ایران که بیشترین بار فشار اقتصادی بردوش آنها قرار گرفته است و بیش از هر وقت دیگری نیاز به شکل طبقاتی دارند، دشمنان پنهان و آشکار طبقه کارگر از هرجهت حملات و ضربات کینه‌توزانه خود را در واکنش به تداوم سیاست دفاع راستین از منافع طبقاتی کارگران و زحمتکشان ایران و سازمان رزمنده آنان ابراز نموده‌اند، بیهوده نیست که از بدو روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، سازمان چریکهای فدائی خلق

ایران از یک طرف همواره موردتهاجم وحشیانه مرتجعین حاکم ایران قرار گرفته است و از سوی دیگر، سرسپردگان به امپریالیسم، سازمانهای بورژوازی و ضدانقلاب امثال سازمان مجاهدین خلق و جریانات رفرمیست و دیگر عوامل آنان مداوم حملات زهرآگین خود را متوجه سازمان ما نموده‌اند.

برای دومین بار طی دو سال گذشته سازمان ما از جانب اپورتونیسیم راست مورد تهدید درونی واقع می‌شود و هر بار بدخواهان سازمان به زعم خود "تضعیف" و یا "نا توانسی" سازمان را در حل مسائل درونی خود پیشگوئی کرده‌اند؟ برای دومین بار در اثر ضرباتی که اپورتونیسیم راست بر سازمان وارد می‌آورد، بخش برنامه‌های "صدای فدائی" این بانگسای کارگران و فریاد پرخروش زحمتکشان برای مدت کوتاهی دجا روقفه می‌شود و هر بار سازمان توانسته است سرفرازان، با پشت سرگذازدن تمامی نیرنگ

ها و دسیسه‌هایی که از جانب اپورتونیسیتها در خدمت به بورژوازی صورت می‌گیرد، با تحمل مصائب ناشی از آن و با صلابت تمام به راه پرافتخار خود ادامه دهد. این بار، به هنگامی که اپورتونیسیم راست خارج کردن حزب توده و اکثریتی‌های ضد انقلاب را از "بایکوت سیاسی" محمول نزدیکی و زمینه ساز اتحاد عملهای آینده با این طیف قرار داده بود، نتوانست در روند مبارزه ایدئولوژیک در سازمان تاب و تحمل بیاورد. "توکل" یکی از اعضای مستعفی مرکزیت که در سازمان بدفاع از طیف خائنین توده-ای-اکثریتی برخاسته بود، پس از اینکه ماهیت نظراتش از جانب توده تشکیلات افشاء گردید، ابتدا از شرکت در دومین کنگره سازمان که در آستانه برگزاری آن بودیم خودداری کرد و پس از آن با اعلام استعفا از مرکزیت سازمان، تلاش بیهوده‌ای را بکار گرفت تا بخیال خود سازمان را در چنین

شرایط حساس و سرنوشت سازی دچار بن بست و بیلتکلیفی نماید. هنگامیکه وی در مقابل اراده قاطع رفقای سازمان مبنی بر اجرای اصول و ضوابط تشکیلاتی قرار گرفت و متوجه شد هیچگونه توطئه‌ای نمی‌تواند سازمان را از ادامه خط مشی انقلابی و سیاستهای تعیین شده بازدارد، دست به ایجاد هرج و مرج و بی‌وجود آوردن تشکیلاتی درون تشکیلات سازمان برای خود زد. در ادامه همین اعمال آنا رشیستی بود که مکرراً به بخشهای دیگر تشکیلات خود سرانه دخالت نمود.

سرانجام "توکل" انتقام ناکامیها و ورشکستگی سیاسی-ایدئولوژیک خود را با دست زدن به اعمال ضد تشکیلاتی که ریشه در منافع گروهی و فراقسبونی ناحیز خود داشت از "صدای فدائی" گرفت. هنگامی که اپورتونیسم راست در یک پروسه مبارزه ایدئولوژیک نتوانست به دفاع نظری بپردازد، دیگر مجال تعمق و تعقل پیرامون مسائل میزم جنبش از وی سلب شد، اعمالی که نه از روی حفظ اصول و پرنسیپهای انقلابی بلکه از روی غضب و کینه ورزیهای غیر انقلابی و به دور از انگیزه‌های مبارزه طبقاتی صورت گرفت، به این دلیل در ادامه اعمال و رفتار ضد تشکیلاتی "توکل"

در تاریخ ۶ خرداد ماه ۱۳۶۶ "صدای فدائی" بطور موقت تعطیل شد، پس از آن وی از جانب کمیته مرکزی سازمان اخراج شد. مانع از "توکل" و اطرافیان اندک و بد نهادش و نه از همه آنها که به آرمان طبقه کارگر پشت می‌کنند و سرانجام بیداری خود را در وجدان ناپاک رفرمیسم و خدمت به حربانات بورژوا - رفرمیست می‌یابند، جز انحطاط سیاسی - معنوی انتظاری نداریم. در حقیقت رفرمیسم امروز خدمتگزاران با وفای خود را در وجودا مثال "توکل"ها با زیافته است و ما وظیفه مندیم چهره واقعی آنان را به جنبش انقلابی معرفی نمائیم.

اما برای اینکه از اشتباهات و نابسامانیهای احتمالی و نامعقول آینده جلوگیری کنیم، الزاماً باید با تعمق بیشتری شرایط و موقعیتی را که بویژه بعد از قیام ۵۷ موجب نفوذ عناصر خرده بورژوا و ایدئولوژیهای غیر پرولتری در سازمان شده بود را بحای خود مورد توجه قرار دهیم، تا بتوانیم حال را آنطور که هست بررسی نموده و از آینده تصویر روشن تری ارائه دهیم. در این صورت می - توانیم ادعا کنیم که در روند مبارزه طبقاتی به طرد و زوال کدام عناصر فرتوت یباری

نموده ایم، آنها را از نشوونما باز داشته ایم و پدیده‌های اجتماعی را آنطور که عینیت دارد بازشناخته ایم و به طور مشخص تعیین نمائیم پایه کار و فعالیت خود را در عمل روی کدامیک از طبقات اجتماعی نهاده ایم. طبقه ای که روبه رشد و بالنده است، اگر چه امروز دچار ضعف آگاهی و تشکیلاتی باشد، مثل طبقه کارگر، و یا سایر طبقات و اقشار اجتماعی که حیرت آریخ در روند تکامل اجتماعی، جایگزینی آنها را با طبقات و اقشار پیشروا معه فراهم نموده است.

ما با افتخار اعلام می - داریم سالهاست که فعالیت سازمان در بین طبقه کارگر و سایر اقشار زحمتکش حریبان دارد. ما اشتباه نکردیم که از ابتدا فعالیت انقلابی خود را متوجه طبقه کارگر این طبقه بالنده و انقلابی متمرکز نموده ایم. ما تلاش خواهیم نمود با استفاده از تجربیات گذشته نسبت به ضعفها و کاستیهایمان با تمام توان در جهت سازماندهی مستقل پرولتاریا بیش از پیش گامهای استوار و سنجیده‌ای برداریم تا بتوانیم نه فقط نقش پیشاهنگی سازمان در جنبش انقلابی را حفظ نما - ئیم، بلکه در راستای طرح برنامهم حزب کمونیست بتوانیم در جهت تشکیل حزب

حقیقی طبقه کارگر نقش خود را ایفا نمائیم.

ما باید جراحات وارده به پیکر تشکیلات را در سالهای گذشته مداوا کنیم؛ باید به ترمیم بخشهای ضربه خورده تشکیلات پرداخت و همه این تحولات باید در شرایط بسیار دشواری انجام پذیرد، در شرایطی که سازمان از یک طرف از سوی رژیم جمهوری اسلامی زیر ضرب قرار دارد، و از سوی دیگر از جانب طیف گسترده ای از عوامل داخلی بورژوازی، رفرمیستها رفیقان نیمه راه و... مورد حمله قرار گرفته است.

ما با افتخار اعلام می داریم علی رغم تمام ضربات پورتونیستها و تزلزلات رفیقان نیمه راه پرچم سر افتخار سازمان حریکه های فدائی خلق را برافراشته نگه داشته ایم. نه ضربات متعددی که از سوی رژیم جمهوری اسلامی بر سازمان وارد شده و نه ضربات درونی از جانب پورتونیستها این تشکیلات را هیچگونه ضربه ای نتوانست از پای درآورد و نا بود سازد. برنامه انقلابی سازمان با پشتکار و جدیت

ادامه خواهد یافت و برای مبارزه بی امان علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی برای براندازی رژیم

جنایتکار جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و هموار کردن حاکمیت طبقه کارگر، این طبقه تا به آخر انقلابی گام برخواهیم داشت.

"صدای فدائی" بار دیگر با تلاش شانه روزی تمام رفقای رزمنده فدائی فعالیت خود را مجدداً از سر گرفته است و در پرتو اندیشه مارکسیسم-لنینیسم و اعلام وفاداری نسبت به خط مشی انقلابی سازمان و تحدید عهد با کلیه رفقای فدائی بویژه شهدای بخون تیسیده سازمان فعالیت انقلابی خود را آغاز نموده است.

مرگ برامپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی
مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
مرگ بر سازشکاران و عوام فریبان زنده باد سوسیالیسم
هیئت تحریریه "صدای فدائی"
۱۵ تیر ماه ۱۳۶۶

بقیه حمید اشرف
خودنیز می افزایند.
یادش گرامی و راهش
پررهور باد
(به نقل از ریگای گل ۱۹)

ادامه مصوبات

پشتیبانی از کشورهای که داخل بلوکهای تجا وزگرم نمی شوند، استقبال از کلیه نیروهای طرفدار حفظ صلح.

- بسط و استحکام روابط بسط دوستانه با فنلاند، اتریش، سوئد و سایر کشورهای بی طرف.
- ادامه سیاست فعال بهبود مداوم روابط با آمریکا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، آلمان غربی، ژاپن و سایر کشورهای همسایه، یعنی ایران، ترکیه و پاکستان همراه با تلاش در جهت تحکیم اعتماد دو جانبه، گسترش روابط اقتصادی و برخورد و همکاری در زمینه فرهنگ و علوم.

- گسترش و تحکیم روابط برادرانه خلق شوروی با کارگران سایر کشورها.
- هشیارانه دنبال کردن اعمال محافلی که نفعی در تشنج زدایی بین المللی دارند و افشای اعمال مخرب دشمنان صلح، در فرصت مناسب بعمل آوردن اقدامات لازم جهت افزایش ظرفیت دفاعی دولت سوسیالیستی شوروی، حفظ "دفاع ملی" شوروی در سطح تکنیک و علوم نظامی مدرن و تضمین امنیت میهن.

ادامه دارد
(1) situation de force
(2) travailleurs-
intellectuels

اطلاعیه

هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - سیستان و بلوچستان (بامی استار)

جدایی و انشعاب بصورت اهرمی با زدارنده جهت پیشرفت و گسترش و تعمیق انقلاب منحصر شده است، ما شاهد تغییر و تحولات و سپس جدایی در درون تنها سازمان رزمنده پیکارجوی پرولتری، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هستیم. سازمانی که طی هفده سال حیات پرافتخارش یک دم از مبارزه انقلابی و سرختانه علیه ارتجاع و امپریالیسم و اپورتونیسیم از پای ننشسته و پرچم سرخ رزم پرولتاریا را در سخت ترین شرایط مبارزاتی با افتخار تمام در اهتزاز نگاه داشته است.

سازمان از بدو تشکیل تا به امروز در مقاطع معینی بحرانهای سخت و شکننده ای را پیروز مندانه پشت سر گذاشته است و در هر گام خود را از پیرایه های غیر مارکسیستی و آلودگیهای ناشی از آن پالایش داده و صفوف خود را متحدتر و پاکیزه تر از قبل در پیکار حاد طبقاتی حفظ کرده است. اما میبایست تا رسیدن به اراده واحد و جمعیتی و وحدت سیاسی-ایدئولوژیک و تشکیلاتی از تنگناها و کوره راهها و مشکلات زیادی عبور می کرد.

در چنین شرایط سخت و دشوار از مبارزه طبقاتی، ما شاهد هستیم توکل یکی از رهبران سازمان از خط و مشی

ذاتی این رژیم سرمایه داری و خون آشام است، در شرایطی که زندانها و سیاهالهای قرون وسطایی حاکمیت اسلامی از کمونیستها و انقلابیون انباشته شده و هزاران نفر تا بحال به جوخه اعدا مسپرده شده اند، در شرایطی که تشکیل حزب طراز نوین طبقه کارگر بمشابه پیشاهنگ طبقه و انقلاب نوین ایران و رهبری و هدایت و سازماندهی توده ها در پیکار طبقاتی جاری مبرمترین و عاجزترین وظیفه کمونیستها و کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود است، در حالیکه باید صفوف رزمنده و متحد و یکپارچه نیروهای کمونیست و انقلابی در پیکاری سرنوشت ساز و خطیر علیه ارتجاع حاکم روزه روز حاکمیت را به عقب نشینی و سپس مرگ مختوم و تاریخیش سوق دهد، آری، در چنین شرایط حساس و بغرنجی که پراکندگی، تفرقه سیاسی-ایدئولوژیک، بیاس و انفعال،

در شرایطی که کشاکش انقلاب و ضد انقلاب همچنان ادامه دارد، در دورانی که رژیم ورشکسته و تبیه کار و فاشیست جمهوری اسلامی غرقه در سخت ترین و شکننده ترین بحران های مزم حاد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی فرورفته، در شرایطی که کارگران و زحمتکشان میهنمان در سخت ترین شرایط اقتصادی و سیاسی و معیشتی قرار دارند، در شرایطی که خیزش قهرآمیز توده ها علیه نظم ارتجاعی و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم بعثت مجموعه شرایط حاکم بر جامعه محتمل است، در دورانی که جنگ ارتجاعی نکبت بار و خانمانسوز همچنان ادامه دارد و هر روز توده های بیشتری را به مسلخ بورژوازی می کشاند و ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی و ضد انقلابی آن بیش از پیش در انظار توده ها افشا شده و توده ها در می یابند که جنگ، سرکوب، ویرانی، کشتار و مرگ

انقلابی پرولتری سازمان
 عدول می‌کند و به یکباره خط
 بطلانی بر تمام می‌مبارزات
 خونبار سازمان علیه اپورتو-
 نیسم، رفرمیسم و رویزیونیسم
 می‌کشد. رویزیونیستهای خائنی
 که دستیار جلادان حاکم بوده،
 در سرکوب انقلاب و طبقه کارگر
 متحد با لفظ ارتجاع بوده و
 مهلک ترین ضربات را بر پیکر
 جنبش کمونیستی و جنبش عمومی
 توده‌ای وارد آورده‌اند. توکل
 پس از انتشار نشریه کار ۲۰۵ و
 تکامل بخشیدن به نظریه‌های
 جدیدش در نشریه کار ۲۱۰، با
 طرح نقطه نظرات جدید در مورد
 گروه بندی‌های سیاسی با مسئله
 اتحاد و ائتلاف، با عدول از خط
 ومشی پرولتری سازمان و
 مصوبات کنگره اول و پلنوم در
 مورد ماهیت ضد انقلابی حزب
 توده و اکثریت و تطهیر آنان،
 چشم اندازی را تصویر می‌کند که
 در نهایت اتحاد و ائتلاف و
 همکاری با این کانون ضد
 انقلابی را پیش روی گشوده
 است. دستیابی به نقطه نظراتی
 مبنی بر عدم با یکوت سیاسی
 حزب توده و اکثریتی‌های رسوا
 و ضد انقلاب از طرف توکل
 گفتگویی است که سمت گیری
 سیاستهای فرصت طلبانه و
 اپورتونیستی وی را مبنی بر
 نزدیکی و اتحاد عمل با آنها
 نشان می‌دهد. سیاستی که در

تداوم خود تمامی فداکاران
 جانبازی رفقای قهرمان فدائی
 را در مبارزه علیه این دشمنان
 آشتی ناپذیر طبقه کارگر و
 مارکسیسم بر باد می‌دهد. در چنین
 شرایطی توأم شدن اختلافات
 سیاسی - ایدئولوژیک با
 مسائل تشکیلاتی بحران عمیقی
 را در سازمان بوجود می‌آورد.
 توکل بحای عمل به سنتهای
 تثبیت شده کمونیستی و با
 الهام از رهنمودهای بنیان -
 گذاران مارکسیسم که در چنین
 مواقع بحرانی و متلاطم در
 جهت تشکیل کنگره تلاش می -
 ورزند تا نقطه نظرات، دیدگاه
 های مختلف و اختلافات در
 آنجا بحث و بررسی شده و سپس
 در مورد انشعاب و جدائی
 تصمیم گیری شود، بدون ضوابط
 و رعایت پرنسیپهای کمونیستی
 از زیر بار مسئولیت سنگین
 جوابگوئی به کارنامه خود
 طفره رفته و عملاً با تن ندادن
 به اراده توده‌های تشکیلات
 الزاماً به انشعاب و جدایی
 دام زده است. فقیدان
 سازماندهی لنینی و عدم رشد
 و استحکام و طلاوت تشکیلات و
 اتخاذ سیاستهای فراقسیو-
 نیستی و انحلال طلبانه از
 جانب وی، منجر به ضربات سنگین
 و ضایعات حیران ناپذیری بر
 بدنه تشکیلات و کل سازمان شده
 است. ضربه‌ای سنگین که در

چنین شرایط بحرانی حاکم بر
 جامعه، از توان و پتانسیل
 مبارزاتی سازمان کاسته و
 دشمنان رنگارنگ سازمان و
 بورژوازی حاکم و اپوزیسیون
 را خوشحال و شادمان کرده
 است.

ما هواداران سازمان
 چریکهای فدائی خلق ایران
 (با می‌استار)، در چنین شرایط
 حساس و بحرانی، با توجه به
 تداوم وظایف انقلابی مان در
 منطقه و احساس مسئولیت سنگین
 در قبال جنبش طبقه کارگر و
 جنبش انقلابی ملیتهای تحت
 ستم ایران منجمده خلق دلیر
 بلوچ، با صراحت کمونیستی،
 عدول توکل از مواضع کمونیستی
 و انقلابی سازمان و نزدیکی به
 جریان ضد انقلابی توده‌ای -
 اکثریتی را محکوم و اتخاذ
 چنین سیاستهای پراگماتیستی
 را مغایر با خط ومشی، ایدئو-
 لوزی، اهداف، برنامه،
 استراتژی و تاکتیکهای
 پرولتری سازمان می‌دانیم.
 ما ایمان داریم که
 پرچم سرخ ویرافتخار سازمان
 که آغشته بخون هزاران فدائی
 دلاور و قهرمان است، دمی از
 اهتزاز نمانده و ما در این راه
 سخت، پرشکوه و سترگ با ایمانی
 راسخ و عزمی پولادین جهت
 تحقق آرمانهای مقدس و والای

رفقای شهیدمان که همانا کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و استقرار سوسیالیسم و کمونیسم است، لحظه‌ای از پای ننشینیم.

ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (بامی استار) همچون گذشته آگاهانه، مسئول و متعهد، با حمایت و جانبداری از خط و مشی انقلابی و پرولتری سازمان و با تحدید عهد و میثاقی استوار حمایت اکید خود را از تداوم حیات رزمنده و پویای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، با مشی پرولتری آن درنبرد بیوقفه، سرخستانه و بی امان علیه امپریالیسم، ارتجاع و اپورتونیسیم در تمام اشکالش با بانک رسا و فریاد پرطنین اعلام می‌داریم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی نه سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

زنده باد سوسیالیسم در اهتزاز باد پرچم پرافتخار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - سیستان و بلوچستان (بامی استار)

۱۳۶۶/۳/۲۵

بقیه پارلمان....

"دادگاه تاریخ نیست." با این وجود بن قطعنا مه‌نیم - بند که هیچگونه حقی را برای ارا منه به رسمیت نمی‌شناسد مورد اعتراض دولت ارتجاعی ترکیه قرار گرفت و اورن رئیس جمهور ترکیه با بیشرمی تمام اعلام نمود که "تعدادی از کشور های متحد با رای دادن در پارلمان اروپا به قطعنا مه‌ای در مورد به اصطلاح قتل عام ارا منه و بی‌عدالتیهای ادعائی که در ترکیه به اقلیت کرد روا داشته شده، از جنبش‌های تروریستی حمایت می‌کنند".

رئیس جمهور مرتجع ترکیه زمانی این سخنان را به زبان می‌آورد که دولت وابسته اش تا کنون هیچگونه حقی را برای ارا منه به رسمیت نشناخته و فشار بر روی ارا منه و سرکوب خلق کرد، با شدت بیشتری ادامه دارد. تنه‌ادری درگیری های اخیر در دهکده "مارون" که منجر به کشته شدن بیش از ۳۰ تن گردید، یا نزده هزار تن از واحدهای جترباز و هوای تیروز تحت پوشش هلیکوپترهای ارتش برای تعقیب مبارزین کرده‌ایین منطقه اعزام شده‌اند.

* * *

عام ارا منه تصویب نمود. پارلمان اروپا عاقبت پس از دو سال مباحثه با تصویب قطعنا مه‌ای ناقص خودداری دولت ترکیه را در از به رسمیت شناختن قتل عام ارا منه توسط امپراتوری عثمانی بعنوان یکی از موانع "لایتغیر برای بررسی الحاق احتمالی ترکیه به بازار مشترک اروپا" (قطعنا مه پارلمان اروپا) اعلام نمود. این پارلمان هر گونه مبارزه را دیکال که در قطعنا مه از آن به اصطلاحاً اعمال خشونت با روهرگونه اشکال تروریسم نام برده شده است، محکوم کرده است.

از دو سال پیش بر سر تصویب قطعنا مه‌ای در مورد "یک راه حل سیاسی مسئله ارا منه" اختلافاتی در پارلمان اروپا وجود داشت. "کمونیست" ها و "سوسیالیست" های اروپایی به نفع نظریه قتل عام رای داده، در حالی که "سوسیالیست" های آلمانی از فرمول بندی‌ای پشتیبانی می‌نمودند که در آن از "بی‌عدالتی" سخن رود. لیبرالها، محافظه‌کاران و دمکرات مسیحیها، اکثر از شرکت در بحث و رای گیری خودداری نموده و اعتقاد داشتند پارلمان اروپا

انترناسیونالیسم پرولتری یا تطهیر ضد انقلابیون توده‌ای - اکثریتی

در تاریخ ۶/۳/۶۶ کمیته مرکزی سازمان جریکهای فدائی خلق ایران طی اطلاعیه ای یکی از اعضای مستعفی خود را بنام توکل به دلائل روابط فراتشکیلاتی و دخالت در امور بخشهای دیگر تشکیلات، از سازمان اخراج نمود.

در پی انتشار کار ۲۰۵ و مقاله متحدین پرولتاریا در عرصه بین المللی خط جدیدی در برخورد به مسئله اردوگاه مطرح گردید که با اعتراض وسیع اعضا و هواداران سازمان روبرو گشت. نویسنده مقاله که اتحاد و دفاع قاطع در همه جا را بحای اتحاد و انتقاد یعنی سیاست سازمان نسبت به اردوگاه می‌نشانند و با اصرار بر این مواضع سعی در قبولانیدن آنها بعنوان نقطه نظرات سازمان را داشته و هرگونه مخالفت با آن را کمونیسم - ستیز و ... دانسته و در جوابه کمیته خارج از کشور، اوج سکتاریسم خود را به نمایش گذاشت. نقطه نظرات سازمان نسبت به اردوگاه سوسیالیسم به روشنی در مصوبات کنگره اول سازمان بیان شده است.

اما پورتونیسم را اگر از در بیرون کنی، ازینجره وارد می‌شود و این بار توکل می‌خواهد ازورای اردوگاه به داخل رسیده و این اتحاد و دفاع قاطع در همه جا بیشتر از حالت تئوری در پهنه ایران، به "عمل" درآورد، این بار پورتونیسم راست از در بچه اردوگاه، و در ربط با مسائل داخلی اتحاد عملها را با نیروهای مدنظر دارد که سالهاست کوس رسوایی آنها در هرکوی و برزن زده شده است و در همدستی با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی از هیچ جنایتی بر علیه کارگران و زحمتکشان ایران دریغ نورزیده اند. بی‌جهت نیست که در سرمقاله کار ۲۰۵ "در پشت جنحالیهای تبلیغاتی علیه "اقلیت" کدام انگیزه‌ها ... " گروه ضد انقلابی کشتگر در کناره راه کارگر بعنوان "توده ایهای شرمگین" گذاشته می‌شود و عملاً در حبه‌ها انقلاب ارزیابی می‌گردد. بی‌جهت نیست که تقدم و تاخر متحدین پرولتاریا در عرصه بین المللی مصوبه کنگره اول سازمان به یکباره در کار ۲۰۵ جا بجا می - گردد. بی‌جهت نیست که

اکثریتی های نگهدار، در اطلاعیه خود در تاریخ کار ۲۰۵ می‌گویند: "شریه ارگان مرکزی اقلیت شماره ۲۰۵ به هواداران خود به درستی رهنمود می‌دهد" و بی‌جهت نیست که چنانچه این احزاب و سازمانها آشکارا به خیانتهای خود و همدستی با جمهوری اسلامی اعتراف کنند ما موظفیم در عرصه سیاسی برخورد متفاوتی با آنها داشته باشیم. (اختلافات اساسی کدام است - توکل)

ولابد این انتقاد از خود نیز می‌باید از نوع صوری آن یعنی از نوع اکثریتی‌های کشتگری باشد.

لنین سالها پیش در باره مصالحه‌هایی که به خیانت می‌انجامد، نوشت: "سیاست - مداری که می‌خواهد برای پرولتاریای انقلابی مفید باشد، باید بتواند موارد مشخص این قبیل مصالحه‌ها را که حایز نیستند و پورتونیسم و خیانت را منعکس می‌سازند، تمیزدهد و تمام نیروی انتقاد و تمام تیزی افشاگری بی‌امان و جنگ آشتی ناپذیر خود را علیه این مصالحه‌های مشخص متوجه

سازد و اجازه ندهد که سوسیالیستهای پرتجربه "کارگشته" و ژوزوئیستهای پارلمان نشین با دلیل تراشی دربار "مصالحه بطور عمده از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند و ظفره روند. حضرات "رهبران" تردیونیونیونها در انگلستان و نیز جمعیت فابیان ها و حزب "مستقل" کارگرها تا با همین شیوه از زیر بار مسئولیت خیانتی که مرتکب شده اند یعنی از زیر بار مسئولیت تن در دادن به آنچه انجمن مصالحه های که معنای واقعی بدترین اپورتونیسیم و خیانت و عذر است، شانه خالی می کنند." (لنین - بیماری کودکانه "چپ روی" در کمونیسیم)

حال از زیر ضرب خارج کردن ضد انقلابیون توده ای - اکثریتی با این حرف که "اما چنانچه این احزاب و سازمانها آشکارا به خیانتهای خود و همدستی با جمهوری اسلامی اعتراف کنند، ما موظفیم در عرصه سیاسی برخورد متفادتی با آنها داشته باشیم" چه چیزی است جز جراحی سیزی جهت "انجمن مصالحه ای که معنای واقعی بدترین اپورتونیسیم و خیانت" است و یا با رفرمیستهای راه کارگری که بیگانگی با اهداف و منافع طبقه کارگر و سازماندهی مستقل

آن از سر پای برنامه رفرمیستی آنها می بارد، چه چیزی حزیشت کردن به مبارزات انقلابی کارگران و زحمتگشان معنی می دهد.

لنینیسم به ما می آموزد "آنچه که در مورد مسائل عملی مربوط به سیاست هر لحظه تاریخی معین یا خاص مهم است این است که انسان بتواند مسائلی را که در آنها عمده ترین نوع مصالحه های غیر محاذ و خائنه متحلی می گردد که مظهر اپورتونیسیتی است که برای طبقه انقلابی هلاکت بار است، تشخیص دهد و تمام سعی خود را متوجه روشن ساختن آنها و مبارزه علیه آنها سازد" و ما بعنوان مدافعین طبقه کارگر و از زاویه منافع این طبقه مدافع منافع عموم زحمتگشان جامعه، وظیفه خود می دانیم تا اینگونه مصالحه های خیانت آمیز را در انظار طبقه کارگر ایران و توده های مردم افشا نموده و با فشاری بر مواضع انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اپورتونیسیم را در هر حال، چه در لباس راست و چه در قالب "چپ" آن با تمامی شعارهای بظا هر چه ولی عمیقاً راست آن، افشا نمائیم. چه معتقدیم اپورتونیسیم در هر شکل آن، رسالتی جز ضرب زدن به جنبش طبقه کارگر

نداشته و نخواهد داشت. بهر حال، پس از اپورتونیسیم - نیستهای "چپ"، اکثریتی - ها، تروتسکیستها و... اپورتونیسیم راست این دشمنان جنبش کارگری و سازماندهی مستقل آن، این بار به این شکل خط خود را از خط انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران جدا ساخت. اما چه بآک که بقول رفیق استالین "در هر تندبیخ تاریخ یکی از دوستان از ما جدا می شود" و این بار، تندبیخ اتحاد عملها این این را باعث گردید □

بقیه چند خبر را حعه به... دوستان او جریان را به مقامات UN اطلاع می دهند، اما مسئول UN اظهار می دارد که ما انجام هیچ عملی را در این زمینه ممکن نمی دانیم و تنها می توانیم برای وی دعا کنیم.

مرگ سه پناهنده

سه تن از پناهندگان رسمی بعلت بی توجهی های مسئولان UN پاکستان و دستگاه مشاورتی YTECH (YMCA) بعلت، ابتلاء به بیماری یرقان در بهار ۱۳۶۶، درگذشتند.

یک آواره ایرانی به علت عدم پذیرش پناهندگی اش از جانب UN شعبه کراچی دست به خودکشی زد و درگذشت. □

مروری بر اوضاع ترکیه پس از کودتا

ایزارپوسیده‌ها می‌دیکتاتور-

ها و از سوی دیگر با توسل به

نیرنگ‌هایی عوام‌فریبانه

بسیار و از سوی دیگر با وعده

و وعید و فرم‌سعی در نجات موقت

خویش دارد. برآستی که جنگ

ارتجاعی ایران و عراق که

برای خمینی و رژیمش بقای

موقت و برای امپریالیست‌ها

"خیرات" و "میرات" آفرید.

برای رژیم ترکیه این پایگاه

امپریالیسم آمریکا در منطقه

بمثابه دریچه رحمتی بود که

تنور آتش و خون رژیم جمهوری

اسلامی ایران، بی‌دریغانه به

رویش گشوده است. به حرات می

- توان ادعا نمود که ترکیه به

عنوان چشم‌و چراغ امپریالیسم

جهانی و ارتجاع منطقه در

چنین موقعیت حساس و ویژه‌ای

بدون نقش رژیم جمهوری اسلامی

ایران و بدون جنگ ارتجاعی

ایران و عراق، حتی برای چند

ماهی هم قادر به ادامه‌بیداد-

گریهای خویش نبوده و نخواهد

بود.

رژیم ترکیه در پی کودتای

نظامی سپتامبر ۱۹۸۰ تاکنون

با توسل به سیاست سرکوب و

فریب و با سودجویی از بازار

هرج و مرج منطقه‌ای توانسته

چند صا‌حی منافع استثمارگران

را تا مین کند. اما امروز پس از

قریب به ۷ سال اعمال حکومت

نظامی و توسل به کاپیتالیسم

"دیاریکو"، "آنکارا" (زندانی

ما مک)، "استانبول"، "آدانا"

و دیگر شهرها بیش از صد‌ها هزار

زندانی کمونیست و انقلابی را

در خود سخت می‌فشارند. حاسوس-

های "میت" این هم‌شاگردی -

های "ساواک" و "موساد" و

قداره برگردنهای "سیا"

و لگردانه تا عمق زندگی توده

- ها دخالت می‌کنند. فقر و

بیکاری شدید و روزافزون، بی-

خانمانی و سرگردانی و بیماری

ومرگ و میرو فلاکت فزاینده در

میان کارگران و زحمتکشان

شهر و ده تحت زنجیره ستم‌نظم

سرمایه‌داری زیر چکمه‌های

حکومت نظامی اسلامیزه شده‌ای

که بر سر نیزه خون آلود خود

اتکاء دارد سیمای ترکیه

امروزی است. بحرانی را

سبب‌گشته‌اند که بیرون رفت از

آن را برای رژیم غیر ممکن

گردانیده‌اند. رژیم‌های وابسته

عموما بدون اعمال دیکتاتوری

وسرکوب‌گریان هرگز قادر به

حفظ و کنترل سیستم نیستند.

از سویی تاریخ به روشنی‌گواه

آن است که هرگز سر نیزه تکیه

گاه موثر و قابل اتکایی نبوده

است و دیر یا زود بالاچاره

بی‌تردید بر پهلوی جلادان فرو

خواهد رفت. در حال حاضر رژیم

ترکیه از سویی با تکیه بر همین

امروزه رژیم وابسته به

امپریالیسم ترکیه بیش از

پیش در تنگنای بحران

اقتصادی و سیاسی گرفتار

آمده است. وابستگی همه -

جانبه و عمیق اقتصادی -

سیاسی ترکیه و سرسپردگی

تمام عیار رژیم حاکم به

امپریالیسم آمریکا، ضرورت

اعمال سیاست‌های ضد خلقی،

در داخل و در ابعاد منطقه‌ای و

وبین المللی دیکته شده از

سوی آمریکا، و احاله نقش

ژاندارمی منطقه و نقش استرا

- تژیکی آن ترکیه را ز نظر سیاسی

جغرافیایی برای امپریالیسم

جهانی از آنچنان اهمیتی

برخوردار نموده است که

امروزه این کشور بعنوان یکی از

مهمترین پایگاه‌های نظامی

پیمان ناتو درآمده است و

علاوه بر استقرار انواع و

اقسام سلاح‌های مخرب، برنامه

- ریزی جهت استقرار سلاح‌های

هسته‌ای در دستور کار قرار

گرفته است به نحوی که ترکیه

امروزی چهره یک پادگان نظامی

را بخود گرفته است. کارگران

و زحمتکشان در شهر و روستا و

خلق کرد تحت شدیدترین و

وحشیانه‌ترین استثمار و ستم

طبقاتی قرار گرفته‌اند.

زندانیها و شکنجه‌گاه‌های

هایی بنا پارلمان بورژوازی اجزای ارتجاعی و غیره در این چندساله اخیر، رژیم در مانده از مهار و کنترل بحران، هراسناک از اعتلاء انقلابی سخت به تکاپو افتاده است. بحران موجود در خدادی سطحی، غیر مترقبه و یا گذرا نیست، بلکه خود ویژه سیستم‌های وابسته به امپریالیسم و ذاتی مناسبات سرمایه داری است. این بحران ادامه همان بحرانی است که کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ را آفرید و خود زنجیره ایست از بحران مزمن و عمیق بحران سرمایه داری جهانی. کودتای بحران "قرارهای ۲۴ ژانویه" بحران اقتصادی - سیاسی ۱۹۷۹ به آنجان ژرفایی رسیده بود که فروپاشی سیستم وابسته را هر آینه محتمل تر و نزدیکتر گردانیده بود. اعتراضات و تظاهرات کارگری - توده‌ای در ابعاد سراسری اوج گرفته بود و ترکیه در شرایط انقلابی بسر می برد. شکاف در میان جناح‌های مختلف بورژوازی در چگونگی حل بحران، پیریشانی و درماندگی بورژوازی را به نمایش گذاشته بود. جناح‌ها هر کدام راه حل موقت و اضطراری خویش را ادامه می دادند تا شاید از سقوط واضح لال

حاکمیت طبقاتی خویش جلو - گیری کنند. اما بحران هر لحظه عمیق تر می گشت و بورژوازی و مانده - تراز قبل مرگ خویش را نظاره گر بود. سیستم در سراشیمی سقوط قرار گرفته بود، در این شرایط ویژه، "سلیمان دمیرل" رئیس دولت قبل از کودتا و رهبر حزب بورژوایی "عدالت" راه حل موقت خود را که به "قرارهای ۲۴ ژانویه ۱۹۸۰" معروف شد بعنوان راهگشای موقت ارائه داد. این برنامه بطور خلاصه تشدید روند "صنعتی نمودن اقتصاد" را به عنوان استراتژی و تنها راه حل موجود در دستور روز قرار می داد. اما عمق بحران بگونه‌ای دیگر بود و از این راه‌های کوتاه مدت معجزه‌ای بر نمی‌خاست، سیستم در حال فروپاشی قرار گرفته بود، اما طبقه کارگر فاقد انسجام و اتحاد و تشکیلات لازم جهت تامین رهبری انقلابی خویش بر جنبش انقلابی و پر - شکوه و اوج یا بنده موجود بود. جنبش کمونیستی پراکنده و فاقد برنامه انقلابی، متشتت و سردرگم و افتان و خیزان در پی جنبش کارگری - توده‌ای گام بر می داشت و طبقه کارگر در نبود پیشاهنگ انقلابی در نبردی جانانه از شرف طبقاتی خویش و توده‌های زحمتکش

شکوه مندان دفاع می نمود و قربانی می داد. امپریالیسم و ارتجاع نیز قوای خویش را به نبردی سرنوشت ساز فرا می - خواندند. خونتای نظامی راه چاره‌ای بود که مرگ نظام را با تنفسی مصنوعی چند صاخی به تعویق می انداخت و بدینسان بود که ژنرال‌ها با اعلام حکومت نظامی آخرین باریگارد های کارگران انقلابی را در از میرباتانگ به اشغال خود در آوردند. ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ ارتش به رهبری "کنعان اورن" فرمانده و ژنرال نیروی زمینی قدرت را بدست گرفت و در سرتا سر ترکیه حکومت نظامی اعلام گردید و ترکیه طبق یک سنت دوره‌ای سابقه دار (۲) بار دیگر زیر چکمه نظامیان تا دندان مسلح موقتاً از جوش فرو افتاد، قانون حکومت نظامی حاکم گردید و زندانها از انقلابیون کمونیست و کار - گران و رهبران اتحادیه‌ها و سندیکا های کارگری سرشار شدند. برپایی میدانهای تیر و اعمال شکنجه‌های وحشیانه و ایجاد فضایی خفقان آور سبب گردید تا رژیم کودتا موقتاً حاکمیت خود را اعمال کند. در این سال هزاران کارگر و کارمند اخراج گردیدند و به ارتش میلیونی بیکاران

پیوستند، دستمزدها حدود سی درصد کاهش یافت، سیستم مالیاتی شدیدی برقرار گردید و بیشترین فشار و دستمزد را بردوش کارگران و توده های زحمتکش وارد آورد. "قانون کار" بورژوازی تحت قانون حکومت نظامی همچون شلاق با شدت هر چه بیشتر بر سر برگردانده کارگران فرود می آمد، قیمت کالاها و هزینه های ضروری و حیاتی توده ها افزایش یافت و افتصاد گندیده سرمایه داری با تزریق بی رویه پول به بازار و اخذ وامهای خارجی و داخلی با بهره های کلان بر تضادهای بین بست های خود شدت و عمق بیشتری می بخشید.

اگر چه دمیرل موفق به عملی نمودن طرح خود نگردید و در واقع کودتا فرصت انجام آنرا بیهوده می دانست اما رژیم کودتا تحت نخست وزیری "تورکوت اوزال" (۳) مجری آن طرح گردید و در راه همه وجهت تسهیل رشد "اقتصاد صنعتی" به عنوان سودآورترین و سهل الوصول ترین شیوه استثمار، توجه به بخش صنایع و سرمایه گذاریهای لازم در این بخش در اولویت قرار گرفت. در این رابطه بی مناسبت نبود که حمایت های اعتباری و مالیاتی و گمرکی از بخش کشاورزی بیش از پیش سلب

گردید (به استثنای آن بخش از تولیدات کشاورزی مثل توتون و پنبه که تحت کنترل سیستم دولت بود و با اعتبارات محدودی به رشد خود ادامه داد) در پی این سیاست، تولیدکنندگان خریدار این بخش ورشکست گردیدند در ادامه این شرایط رژیم ناچار گردید در اوایل ژوئن ۱۹۸۶ حتی انحصار توتون و سیگار و کود شیمیایی را به بخش خصوصی واگذار کند. (۴)

در طی این روند، تورم به نحوی با بقای شدت یافت و کاهش دستمزدها تا ۵۱٪ رسید و ترکیه که روزی صادرکننده عمده محصولات کشاورزی بود تبدیل به کشوری واردکننده گردید. در به نحوی که مجبور شد حتی پنبه، سیب زمینی و... خود را از سایر کشورها تا مینماید. (۵)

شرایط دهقانان و کشاورزی اصلاحات آرضی بعنوان زمینه ساز و ضروریات رشد و گسترش مناسبات سرمایه داری به رهبری کمال (آتاتورک) علاوه بر ایجاد زمینه های لازم جهت انتقال سرمایه مالی به ترکیه منجر به شکل گیری زمینداران سرمایه دار و سرمایه داری کشاورزی در ترکیه گردید، این رفرم آرضی

این رفرم آرضی دیگری که بعدها انجام گرفت علاوه بر تضعیف بقایای فئودالیزم و مناسبات ماقبل سرمایه داری، رشد مناسبات سرمایه داری را در تمامی عرصه ها سبب گردید، تولیدات کشاورزی که بدلیل شرایط بسیار مساعد جوی و آرضی از ارقام عمده صادرات ترکیه محسوب می شد، کاهش یافت (در سال ۱۹۸۴ از رقم ۷/۱ میلیارد دلار کل صادرات، ۲/۵ میلیارد دلار یعنی ۳۵٪ به بخش کشاورزی تعلق داشت در حالی که در سال ۱۹۸۵ این رقم به ۲/۳ میلیارد دلار از کل ۸ میلیارد دلار یعنی ۲۹/۷٪ رسید) این کاهش در ادامه سیاست های توسعه اقتصادی صنعتی شتاب بیشتری بخود گرفت. (۶)

این سیاست ضد خلقی باعث خانه خرابی و فشار هر چه بیشتر به توده های فقیر و روستایی و دهقانان کم زمین و بی زمین گردید که بیش از نیمی از جمعیت ترکیه را تشکیل می دهند.

در سرشماری سال ۱۹۸۵، ۵۵ درصد از کل جمعیت ۵۱ میلیون ترکیه را روستائیان تشکیل می دادند (۲۸ میلیون نفر) و طبق آمار دولتی سهم ناخالص ملی "یا در آمد سالانه بطور متوسط هزار و صد دلار

گزارش شده است، از آنحائیکه سهم توزیع درآمدها در آنجا در جامعه طبقاتی بصورت نامتنا - سب و شدیداً طبقاتی و غیر عادلانه می باشد، در ترکیه، این مقدار در روستاها بین ۲۵۰-۱۰۰ دلار متغیر است.

بنابراین استثماری - کران درآمدها را که منبع اصلی آن طبقه کارگر و ارزش افزافه ایست که توسط این طبقه تولید می شود به غارت برده در هزینه های نظامی، تأمین هزینه های موسسات و پرداخت به ماورین خویش مصرف کرده به مصرف خصوصی زندگی انگلی خویش رسانیده و جهت تأمین هزینه های خالص گردش بکار انداخته و بخش باقیمانده را جهت انباشت سرمایه داری در تولید می دهند.

بیداست که فقط بخش نا - چیزی از دسترنج طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه جهت زنده ماندن و تولید بیشتر به آنان تعلق می گیرد.

عمیق یابی - تورم و بحران بعد از کودتا کاهش مزد و در واقع فشار هر چه بیشتر به زحمتکشان حتی از گزارشات علنی موسسات بورژوازی آشکار است. سندیکای " کار - نفت" (۷) (PETROL - IS) در قسمتی از گزارش خود می نویسد: " زمانی

که وضعیت اقتصادی سال ۱۹۸۵ را مورد بررسی قرار می دهیم در هیچ بخشی حرکت مثبتی مشاهده نمی کنیم. برای از بین بردن تورم، مداماً زحمتکشان مالیاتهای سنگین گرفته می - شود. بررسیها نشان می دهد که در زمان حکومت اوزال درآمد کارمندان دولت، کارگران و دهقانان نزدیک به نصف کاهش یافته است. در دو سال اخیر در مزد کارگران ۴۵/۲٪ و کارمندان دولت ۳۰/۹٪ و دهقانان ۲۴/۶٪ کاهش دیده می شود. طبق این آمار در مجموع در دو سال اخیر ۳۵٪ برفقر موجود تسوده ها افزوده گشته است. گزارش سندیکای مزدور درآمد متوسط سرانه در سال ۱۹۷۵ را ۹۳۴ دلار و درست ۱۰ سال بعد یعنی ۱۹۸۵ را ۹۹۴ دلار گزارش داده است. شدت فلاکت و عمق بحران بحدی است که حتی روزنامه ها و عوامل وابسته به جناحهای سیاسی از

بورژوازی به تکاپو افتاده و رژیم را به چاره جویی دعوت می کنند. در گزارشی چنین می - خوانیم: ۹ میلیون جمعیت روستایی را روستائیان فقیر و بی زمین تشکیل می دهند که سهم سالانه آنها صد دلار بیشتر نمی باشد و در حالیکه بیش از نیمی از جمعیت کشاورز را روستائیان تشکیل می دهند و فقط یک پنجم درآمد ناخالص ملی را سهم می برند سهم دهقانان فقیر و بی چیز حتی کمتر از یک بیستم درآمد ناخالص ملی می باشد. جدول رشد تولید ناخالص ملی در سالهای کودتا به بعد را که بخودی خود بیانگر گوشه ای از واقعیات کنونی جامعه ترکیه می باشد، جامعه ای که رژیم سرمایه داری حاکم با استفاده از خون کارگران و زحمتکشان کرد و ترک سعی در رنگ و جلا بخشیدنش را دارد.

جدول شماره ۱ - رشد تولید ناخالص ملی در ترکیه

سال	رشد تولید ناخالص ملی
۱۹۸۰	۱/۱ - درصد
۱۹۸۱	۴/۳ +
۱۹۸۲	۴/۴ +
۱۹۸۳	۳/۲ +
۱۹۸۴	۲/۶۴ +

جدول شماره ۳- مقایسه رشد سهم سود و اجاره و بهره با سهم فرد و حقوق (۱۰)

سال	سهم سود و اجاره و بهره	سهم فرد و حقوق
۱۹۸۰	%۷۴/۲	%۲۵/۸
۱۹۸۱	%۷۶/۶	%۲۳/۴
۱۹۸۲	%۷۶/۸	%۲۳/۲
۱۹۸۳	%۷۷/۲	%۲۲/۸
۱۹۸۴	%۸۰	%۲۰ (تقریبی)

سال	سهم افزوده شده بر مزد در بخش دولتی	سهم افزوده شده بر مزد در بخش خصوصی
۱۹۸۰	%۱۵	%۱۵/۴
۱۹۸۲	%۱۲/۹	%۹/۶
۱۹۸۳	%۹/۹	%۹/۵
۱۹۸۴	%۹/۸	%۹/۲

جدول شماره ۴- مقایسه دستمزد کارگران در بخشهای دولتی و خصوصی و کاهش آن (۱۰)

همانگونه که از جدولهای فوق برمی آید سهم سود و اجاره و بهره به حیب چیا و لگران سرازیر می شود و پیوسته سیر صعودی و تزایدی داشته است. در صورتیکه سهم فرد و حقوق کارگران سیر نزولی طی نموده است و این نشان دهنده این واقعیتی است که درجه و شدت استثمار کارگران و دیگر زحمتکشان روز به روز عمیق و شدت فزاینده ای داشته است.

همانگونه که از جدول فوق بر می آید رشد تولید از سال ۱۹۸۲ به بعد پیوسته سیری نزولی پیموده است، در حالیکه طبق پیش بینی های حزب حاکم و نخست وزیر اوزال که خود را متخصص و منجی اقتصاد و رشکسته ترکیه اعلام کرده بود، می بایستی به رشدی برابر با ۵/۷% می رسید (۱۰). این نحوی بیانگر آن است که رژیم کودتا نه تنها قادر به کاهش بحران نبوده است بلکه بر عمق و حدت آن نیز افزوده است. وظیفه رژیم در وهله اول سرکوب جنبش کارگری - توده ای و نجات موقت سیستم از فروپاشی است و برنامه های اقتصادی اش جز حمایت از سرمایه بزرگ انحصاری هدف دیگری نداشته است. گفتیم که رژیم کودتا تورم و بحران را شدت بخشید؛ جدول زیر تا حدودی درجه تورم را با زگومی کند.

شماره	۱۹۸۱	۱۹۸۵	نوع واحد
۱	۱۷۴۶	۶۱۵۸	شمس طلائی ۲۴ عیار (لیر)
۲	۱۹/۲۵	۵۷۴	هر دلار آمریکا (لیر)
۳	۴۵/۱۵	۲۳۳	هر مارک آلمان غربی (لیر)
۴	-	-	درصد تورم
۵	۱۹۸۱	۱۹۸۵	سال

جدول شماره ۲- نسبت کاهش برابری لیر از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ (۱۱)

رژیم سرمایه‌داری در ادامه حمایت بیدریغ خود از منافع سرمایه‌داران، پس از کودتا، ظالمانه نوعی سیستم دستمزد را اعمال نمود که به دستمزد حداقل "مشهور است". بر پایه این سیاست به غایت ستمگرانه مبنای حقوق طوری انتخاب شده که حتی برای زنده ماندن یک کارگر ناممکن بوده، تا چه رسد به تامین خانواده‌اش.

در سال ۱۹۸۴ با توجه به آمار داده شده (۱۲) مجموع کارگران مزدگیر در ترکیه حدود ۵ میلیون نفر ذکر شده است که ۱/۲۴۸۰۰۰ نفر از آنان عضو اتحادیه‌های قانونی بوده و خدمت متوسط حقوقشان ۲۵ هزار باشد. در صورتیکه بقیه کارگران که عضو اتحادیه‌ها نیستند با حقوقی معادل ۱۶۲۰۰ لیر (کمتر از ۴۰ دلار) باید گذران زندگی خود و خانواده‌شان را تامین نمایند. طبق در این میان کارگران عضو اتحادیه‌ها نیز که از مزد نسبتاً آمار دولتی "حداقل بودجه لازم و مورد نیاز یک خانواده چهار نفره ۹۷۲۰۰ لیر می‌باشد. در این میان کارگران عضو اتحادیه‌ها نیز که از مزد نسبتاً بالایی نسبت به بقیه کارگران برخوردارند نیز نمی‌توانند با حقوق ماهانه‌ای نزدیک به ۲۵ هزار لیر از عهده جرخ زندگی

خود و خانواده‌شان برآیند. اگر به نرخ برخی از کالاهای و هزینه‌های ضروری توده‌ها در سال ۱۹۸۴ نظراً فکنیم به درجه فشار و فقر کارگران در ترکیه پی خواهیم برد. گوشت کیلویی بیش از هزار لیر، پنیر نامرغوب کیلویی ۱۰۰۰ لیر، سیگار ترک ۳۰ لیر، کرایه اتوبوس شهر - داری ۵ لیر، نان دانه‌ای ۴۰ لیر، کپسول گاز ۱۲ کیلویی دو هزار لیر، اجاره خانه یک نوع دو اطاق بدون هیچ نوع تسهیلات اولیه و در شرایط کاملاً غیر بهداشتی و در محلات فقیر

نشین ماهانه حداقل ۱۵۰۰ لیر و... (در سال ۱۹۸۵ به قیمت کالاهای و هزینه‌های بالابیش از ۵۰٪ اضافه شده است). حال پرسیدنی است یک زحمتکش در صورتیکه موفق به یافتن شغلی باشد، با حقوق ماهانه ۱۶۲۰۰ لیر چگونه قادر به ادامه زندگی خویش و خانواده‌اش خواهد بود. تورم روز به روز شدت می‌یابد و مزد حقیقی کارگران پیوسته تنزل یافته و درآمد سرمایه‌داران در نتیجه شدت - یابی اسنما رفزونی می‌یابد.

جدول شماره ۵ - مقایسه مزد اسمی و رسمی کارگران (۱۰)

سال	مزد نظاهری (اسمی) ماهانه	مزد رسمی (حقیقی) به (مورنا خالص) ماهانه
۱۹۷۴	۲۰۴۷ لیر	۶۲۸/۶۰ لیر
۱۹۷۹	۸۸۲۹	۶۱۶/۲
۱۹۸۰	۱۲۸۰۸	۴۶۰۲
۱۹۸۳	۲۴۸۷۷	۳۴۹۵

اکنون نرخ تورم و افزایش دستمزد را با هم مقایسه کنیم:

جدول شماره ۶ - مقایسه نرخ تورم و افزایش دستمزد (۱۰)

سال	نرخ تورم	افزایش دستمزد (اسمی)
۱۹۸۰	۱۰۷/۲ درصد	۸۰ - ۷۰ درصد
۱۹۸۱	۳۶/۸	لیر ۱۰+۳۰۰۰ درصد
۱۹۸۲	۲۵	لیر ۱۵+۳۰۰۰ درصد
۱۹۸۳	۳۰/۶	لیر ۲۰+۱۵۰۰ درصد
۱۹۸۴	۵۰	لیر ۲۵+۲۰۰۰ درصد

همانگونه که در جدول فوق مشهود است نرخ تورم از سال ۱۹۸۲ به بعد همه ساله سیری صعودی پیموده در حالیکه خود مقامات دولتی مقدار واقعی آن را به زبان نمی آورند و فقط به مقیاس ۵۰ درصد معترضند. مزد اسمی کارگران بیش از ۲۵٪ افزایش یافته است و همانگونه که پیش تر گفتیم این به اصطلاح افزایش ادعایی و اسمی فقط شامل کمتر از یک سوم کارگران مزد بگیر می شود، در حالیکه نزدیک به ۴ میلیون کارگر غیر متشکل در اتحادیه های دولتی با حقوق حداقل و "مرکزا" و با احتساب تورم شدید و کاهش قدرت خرید و کاهش ارزش پول و گرانی روز افزون کالاها و هزینه های زندگی چگونه ما محتاج حیاتی خانواده اش را که بنا به اعتراف خود موسسات آمار دولتی مبلغی برابر با ۹۷۲۰۰ لیر می باشد، بنا

به گزارش روزنامه دیلی نیوز ترکیه قیمت کالاهای مسورد نیاز در سال ۱۹۸۴ در مقایسه با یکسال قبل از آن ۵۶/۹ درصد افزوده گردید و در حالیکه افزایش ظاهری و ادعایی مزد ها نسبت به ۱۰ سال قبل ظاهرا حدود ۱۲ برابر گشته، مزد حقیقی ۴۹٪ کاهش داشته است و اینجاست عمق فاجعه جامعه سرمایه داری، در حالیکه حتی این روزنامه می نویسد: "واژ این رو بسیاری از کودکان و زنان ناچارند اقدام به خودفروشی و فاحشگی نمایند و یا دست به خودکشی بزنند (۱۳). بنا به گزارش روزنامه بورژوازی ملیت ترکیه (۲۷ اوت ۱۹۸۴) تعداد کودکانی که در سال ۱۹۸۴ در خیابانهای استانبول رها شده اند بیش از ۱۴۰ نفر بوده اند در صورتیکه در سال ۱۹۸۰ تعداد این گونه کودکان را ۴۰ نفر گزارش داده اند.

در این شرایط است که رژیم با حمایت های همه جانبه خود از سرمایه داران شرایط استثمار هر چه شدیدتر را مهیا ساخته و سرمایه های وابسته بزرگ را هر چه راغب تر بسوی بخشهای بی که سرمایه از امنیت سودآوری بیشتری برخوردار است، سوق می دهد.

در ترکیه حدود ۵۰۰ موسسه صنعتی بزرگ وابسته به سیستم سرمایه داری جهانی به استثمار کارگران و زحمتکشان مشغولند. بنا به آمار روزنامه دیلی نیوز این شرکتها در سال ۱۹۸۲ با احتساب نرخ تورم ۳۰٪ مجموعا با یک سرمایه بازگشتی به میزان ۶۰٪ سودی معادل با ۵۰٪ داشته اند. بنا به تحقیقی که بوسیله موسسه انگلیسی موسوم به ISO صورت گرفته در میان ۵۰۰ کمپانی انحصاری بزرگ جهانی ۱۵ شرکت به سرمایه داران ترکیه تعلق داشته است. در حالیکه در این تحقیق از سه شرکت عظیم و انحصاری "کوچ"، "سایانجی" و "تک من" نامی به میان نیامده است، با این وجود بنا بر تحقیق دیگری که بوسیله نشریه آمریکایی

جدول شماره ۷- مقایسه درآمد سرانه، مرگ و میر نوزادان و تلفن در ترکیه با برخی از کشورهای دیگر (۱۴)

ترکیه	آمریکا	یونان	سوئد
۹۹۰	۱۳۰۰۰	۶۰۰۰	۱۲۰۰۰
۱۳۱	۱۱/۲	۱۵/۶	۶/۸
۵۳	۷۶۰	۳۱۷	۸۵۶

مرگ و میر نوزادان (هزار)
درآمد سرانه (دلار)
تلفن (در هزار)

GORTUNE (آینده) صورت گرفته سود خالص و تعداد کارگران سه شرکت مزبور بصورت زیر می باشد.

جدول شماره ۸- سودخالص سه شرکت سرمایه داری بزرگ
واسته در ترکیه (۱۵)

تعداد کارگران	سودخالص (میلیون دلار)	نام شرکت
۵۱۴۱۷۰	۲۹۹	TPAO
۲۸۴۴۸	۵۸	KOC
۲۶۰۰۰	۴۴	SABANCI

همین خدمت به خلق بدست آورده و کاسبی کرده و کاسب هم حبیب خداست "ورژیم هم همانند ادعای مسعود رجوی قصد خدمت به خدا و خلق خدا را دارد. همه سرمایه داران بی شرمند و این یکی از همه وقیح تر. گفتیم که هدف برنامه

پیشنهادی دمیرل و اجرای آن بوسیله رژیم نظامی عمدتاً حمایت از سرمایه های بزرگ بود، پس از کودتای ۱۹۸۰ در مدت کمتر از ۴/۵ سال بخشی از سرمایه های خارجی با سرمایه گذاری ۳۰۰ میلیون دلار، سودی برابر با ۲۳۰ میلیون دلار را بخود اختصاص داده اند (۳). در این میان کشورهای سرما - یه گذاری کشورهای آلمان، سوئیس، آمریکا بیشترین نقش را داشته اند. حواشی ص ۴۰

در ترکیه TPAO در میان ۵۰۰ کمپانی بزرگ سرمایه داران جهانی در ردیف صد و هجدهم قرار دارد. وجه سوجی ترم آوری است زمانیکه ساپانچی یکی از سرمایه داران بزرگ و یکی از سرمایه ریزان اقتصادی، در حالیکه سودخالص وی فقط طبق آمار دولتی در سال ۱۹۸۴ بالغ بر ۴۴ میلیون دلار گزارش شده، در مصاحبه ای میگوید: "من سرمایه دار نیستم و توسیاد (کلوب سرمایه دارانی که وی رئیس آن می باشد) هم کلوب سرمایه داران نیست. این کلوبی است که برای خدمت به مردم تاسیس شده است. این کلوب برای حفظ منافع افراد معدودی تاسیس نشده و موسسه است تمام و کمال در خدمت خلق ... من سرمایه دار نیستم، من تولیدکننده هستم. کسانی که در مسابقات اسب دوانی و در قمار بولدار می شوند سرمایه دار هستند. (۱۵) حتی رقم ۴۴ میلیون دلار را هم در نتیجه

ادامه دارد

ملیت	تعداد شرکتها	حجم سرمایه گذاریها (میلیون لیر)	درصد
سوئیس	۶۳	۳۵۶۱۶	۱۷/۱
آمریکائی	۶۰	۳۰۸۸۷	۱۴/۸۱
آلمانی	۵۹	۲۱۷۹۸	۱۰/۴۵
بقیه کشورها		۲۰۸۵۹۴	۵۷/۶۴
مجموع		۲۹۶۸۶۵	۱۰۰

جدول شماره ۹- سرمایه گذاریهای کشورهای امپریالیستی در ترکیه (۱۸)

جنگ در خلیج

روزشنبه ۲۰ ژوئن، سی روز پس از حمله "تصادفی" یک هواپیمای عراقی به بیسک، ناو جنگی آمریکا، طبق گفته ستاد فرماندهی ارتش عراق، نیروی هوایی آن کشور، بار دیگر اسکله بارگیری جزیره خارک و یک نفتکش لیبریایی را در خلیج فارس هدف آتش خود قرار داد.

رژیم پس از متهم کردن دولتهای کویت و عربستان در همدستی با عراق در این حمله اعلام نمود که روز یکشنبه ۲۱ ژوئن عملیاتی را بنام "هفر ۴" به تلافی حملات عراق علیه نفتکشها "در شمال سلیمانیه" آغاز کرده است.

* * *

خرید اسلحه از چین

بنا به گفته روزنامه واشنگتن پست به نقل از منابع وزارت دفاع آمریکا، ایران در اواخر ماه ژوئن مقادیر زیادی اسلحه از چین دریافت داشته است. این اسلحه شامل شکاریهای بمب افکن از نوع badger و موشکهای silkworv می باشد. به نظر می رسد رژیم قصد دارد این موشکها را در جزایر خلیج فارس مستقر سازد.

انعقاد قرارداد میان ایران و سوریه

روزشنبه ۲۰ ژوئن، رادیو تهران گزارش داد که در پایان کارهای کمیسیون مختلط ایران-سوریه که در این هفته در دمشق تشکیل جلسه داد، دو کشور، قرارداد را برای گسترش همکاری دو جانبه در زمینه های تجارت، اقتصاد، بانکی و تکنیکی منعقد کرده اند.

این در حالی است که یک میلیون تن نفت مجانی یعنی حاصل دسترنج کسارگران و زحمتکشان ایران از سوی سردمداران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی همه ساله به رایگان بعنوان "کمک" به دولت "برادر" سوریه اهدا می گردد.

* * *

بمباران شیمیایی سردشت

بنا به ادعای مطبوعات رژیم در روزیکشنبه ۲۸ ژوئن عراق بار دیگر اقدام به بمباران شیمیایی شهر سردشت نموده است. در این حمله دهها تن کشته و ۶۰۰ تن دیگر مجروح گردیده اند.

* * *

قطع روابط دیپلماتیک موریتانی با ایران

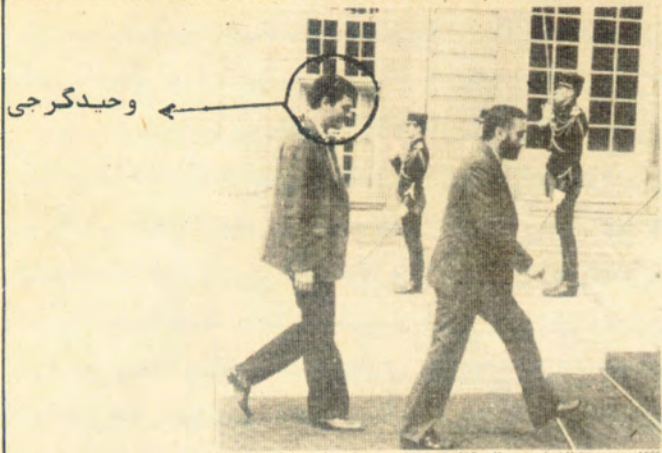
دولت جمهوری اسلامی موریتانی اعلام کرد که به منظور اعتراض علیه "خودداری لجوجانه" ایران از پذیرفتن یک راه حل سیاسی برای جنگ ایران و عراق روابط خود را با این کشور قطع می کند.

این عمل دولت موریتانی، بخوبی بیانگر ایزوله شدن هر چه بیشتر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی حتی در نزد همپالکیهای خویش در سطح جهان می باشد.

* * *

تیرگی روابط رژیم با فرانسه

بدنبال فراخواندن وحیدگرچی (پسر عثمان السه گرچی پزشک مخصوص خمینی در هنگام اقامتش در نوفل لوشاتو) مزدور سفارت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در پاریس توسط مقامات قضایی فرانسه، در چارچوب تحقیقات پلیس این کشور حول بمب گذاریهای سال ۸۶، و پنهان شدن وی در سفارت ایران و ممانعت از حضور در مقابل مقامات قضایی فرانسه، روابط دو دولت روبه تیرگی نهاد، و سفارتخانه های دو کشور



Wahid Geraghi, Secretary to the President, is seen with Ali Raza Mirzayev, another Iranian, on May 1980.

سوء قصد به خان یک مزدور رژیم در اسپانیا

در تاریخ ۶ ژوئیه، محمد رئیس معاون دوم سفارت جمهوری اسلامی در اسپانیا بر اثر انفجار بمبی از ناحیه دست و پا و چشم راست زخمی گردید. رادیو رژیم تروریستی جمهوری اسلامی در اخبار شب خود این عمل را بعنوان "حرکتی تروریستی" محکوم نمود. هادی سلیمانپور، سخنگوی سفارت ایران در اسپانیا به نوبه خود طی یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: "این اعمال تروریستی توسط یک سیستم بین المللی اداره می شود که هدفش ضربه زدن به جنبش آزادبخش جهان است."

آنا توتوریک سخنگوی دولت اسپانیا اعلام نمود که بر خلاف گفته سخنگوی سفارت رژیم در اسپانیا "بمب در زمان روشن کردن اتومبیل منفجر شده است."

سوم می باشد. وی در مورد چگونگی حادثه افزود: "محمد رئیس در حین عقب راندن اتومبیل خود متوجه چیزی غیر عادی می گردد و پیاده می شود. وی در کنار چرخ چپ اتومبیل خود متوجه شیئی می گردد. بعد از آن او هیچ چیز را به یاد نمی آورد."

سلیمانپور، سخنگوی سفارت ایران در اسپانیا به نوبه خود طی یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: "این اعمال تروریستی توسط یک سیستم بین المللی اداره می شود که هدفش ضربه زدن به جنبش آزادبخش جهان است."



اسپانیا

در پاریس و تهران تحت مراقبت های شدید پلیسی قرار گرفت.

میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در تهران اعلام نمود: "هرگونه محدودیت و فشار بر علیه هموطنان و یا دیپلمات های ما در خارج بی جواب نخواهد ماند. این در حالی است که رژیم یک دیپلمات فرانسوی در تهران را بابت داشتن اعمال "غیردیپلماتیک" محکوم نمود.

ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه در یک مصاحبه با روزنامه لوموند گفت که وی تمامی راه های مورد نیاز را بکار می گیرد تا "قوه قضائیه بتواند کار خود را انجام دهد". حتی اگر این راهها به قطع رابطه دیپلماتیک "دو کشور ختم گردد. وی در ادامه سخنان خود بعد از اشاره به "اثرات مخرب حاضر نشدن وحیدگرچی در مقابل مقامات قضایی بر روی عادی سازی روابط دو کشور" از این موضوع پرسیده برداشت که بنا به درخواست رژیم جهت تسریع این عادی سازی ها، وی فشار را بر روی مخالفین رژیم شدت بخشیده و "مسئله مخالفین رژیم در فرانسه را حل نموده" است.

کره جنوبی

این کشور در طی ماه ژوئن شاهد تظاهرات و درگیری‌هایی جهت اعتراض به وضعیت حاکم بر این کشور و تامین خواستهایی از قبیل آزادی زندانیان سیاسی (بیش از ۳۰۰۰ تن)، سازماندهی یک رفتارندم جهت تصویب قانون اساسی جدید و تامین مجدد تمامی آزادیها و... بود.

در درگیریهای شدیدی که در تاریخ ۱۱ ژوئن بین راهپیمایان و پلیس روی داد، بیش از ۶۰۰ تن مجروح گشته و تعداد زیادی اتوبوس و خودرو پلیس به آتش کشیده شد.

اگرچه هیئت حاکمه به خاطر حفظ "ثبات" خوبش از اعلام حکومت نظامی خودداری کرده است ولی اقدامات امنیتی اضطراری ای را تدارک می‌بیند.

در حالیکه تظاهرات هرکنندگان راههای رادیکالتر مبارزه را می‌طلبند، نماینده "کیم یانگ سام" یکی از رهبران اپوزیسیون اعلام داشت: "ما انتخاب دیگری جز ادامه مبارزه از راههای مسالمت آمیز را نداریم." و بار دیگر ضعف و زبونی "اپوزیسیونهای" بورژوازی را در هراسشان از خیزشهای توده‌ای به نمایش گذاشت.

در این میان رونالد ریگان در هراس از ادامه این اعتراضات و گسترش آن به تظاهرات ضد آمریکایی و افتادن منافع آمریکا و امنیت پایگاههای نظامی خویش در کره جنوبی، با اعزام نماینده‌ای از "جون دوهوان" رئیس جمهور کره جنوبی خواست تا با "میان‌روی" مذاکره با اپوزیسیون را آغاز نماید.

افغانستان

روزیکشنبه ۲۸ ژوئن، حبیب‌الله فرد شماره یک دولت افغانستان اعلام نمود که "به زودی خواستار رقابتهای دمورد مشروعیت بخشیدن و ایجاد احزاب سیاسی علنی خواهد شد". وی بازگشت به نام جمهوری افغانستان به جای جمهوری دمکراتیک افغانستان را اعلام داشت.

فلیپین - تروریک، افسرارشد

یک سرهنگ پلیس این کشور در منزل خود واقع در ایالت "لویلو" توسط نیروهای انقلابی به هلاکت رسید، از سوی دیگر در تاریخ ۲۰ ژوئن، بر اثر انفجار دونا رنچک در نیک قرارگاه پلیس شهر سو بویک نفر کشته و ۱۲ تن مجروح گردیدند.

همچنین در روز یکشنبه ۲۱ ژوئن بر اثر انفجار دیگری در مقر کمیسیون رسمی انتخابات دو نفر مجروح شدند.

نیکاراگوئه: نبردهای شدید میان نیروهای دواتی ضد انقلابیون "کنترا"

طبق اظهارات وزارت دفاع نیکاراگوئه، ارتش طی یک ماه گذشته ۴۷۷ تن از چریکهای "کنترا" را در جریان درگیریهای شدیدی که در ایالتهای "چینولگا" و "ماتا-مالیا" روی داده از پا در آورده است. بر اساس آمار که از سوی همین وزارتخانه ارائه شده است، نیروهای دولتی ۱۳۱ تن کشته از خود به‌حای گذاشته‌اند.

آمریکا و پول عربستان

بنا به گفته نیویورک تایمز، از سالهای ۷۰ تا کنون عربستان سعودی میلیاردها دلار بنا به درخواست آمریکا به دهها جنبش و دولت ضد مارکسیستی کمک نموده است. طی دوده‌ها اخیر کمکهای عربستان سعودی به جنبشها و دولتتهای متمایل به غرب در افغانستان، یمن شمالی، سومالی، سودان، پاکستان، زئیر و نیکاراگوئه بوده است.

۱۷ ماه پس از فرار جان کلود درووالد دیکتاتور هائیتی و دست گرفتن قدرت توسط شورای ملی دولت (CNG) این کشور در چند هفته اخیر شاهد اعتراضات بزرگ و عظیمی بر علیه ساسپهای ژنرال نامفی و شورای ملی دولتی اش بود. این نظا هراتها که با نبراندازی

کار می کنند، نیز از سه دلار در روز کمتر می باشد. از این رو بسیاری از خانواده ها از تامین حداقل معیشت خویش در مانده اند. در حلی آبا دها، زحمتکشان محبورند حتی آب مصرفی مورد نیاز خود را به قیمت هر سطل ۹ سنت تهیه نمایند. این موضوع شامل استخرهای پر آب مقاصات دولتی و نزدیکان آنها نمی شود.



پلیس بسوی راهپیمایان همراه بود، تاکنون بیش از ۲۰ کشته و صدها محروح بجای گذاشته است.

بحران کنونی نتیجه وضعیت نابسامان اقتصادی و اثرات مخرب آن بر زندگی توده های مردم است، در کشوری با حدود ۵۵ میلیون جمعیت، تعداد مشاغل از ۲۰۰ هزار تجاوز نکرده و حقوق دوسوم کسانی که

در هفته آخر ژوئن و اوایل ژوئیه به دعوت "کمیته هماهنگی اعتصاب" که ۵۷ حزب و سازمان و سندیکا را در بر می گیرد، اعتصاب عمومی چند روزه ای سراسر کشور را فرا گرفت، این کمیته در اشرافار توده های مردم که در راهپیمایی های خود خواستار برکناری شورای ملی دولت " (CNG) شده بودند، محبوب گشت شعار

ثوق را تکرار کرده و بنوبه خود خواستار برکناری این شورا گردد. یکی از سخن گوئیان "کمیته هماهنگی اعتصاب" در سخنان خود گفت: "باید شورای ملی دولت" (CNG) برکنار شود، تا صلح به کشور باز گردد" (طبق قانون اساسی (CNG) تا فوریه ۸۸ در قدرت است) از سوی دیگر دولت در اشرافار توده های مردم، تا کنون در دو مورد عقب نشینی نموده است و حاضر به ۱- محدود کردن حق ویژه مربوط به قانون اساسی شورای انتخابات موقت ۲- قانونی کردن دوباره کات (CATH)، (سندیکایی که در ۲۲ ژوئن غیرقانونی اعلام شد و بسیاری از اعضا و رهبران آن دستگیر شدند)، گردد.

طبق آخرین خبرها، اعتصاب عمومی که در تاریخ ۸ ژوئیه آغاز گردیده بود، در تاریخ ۸ ژوئیه پایان رسید و کمیته اعتصاب اعلام کرد که ترجیح می دهد یک آلترا تئو ملی را در مقابل دولت نظامی به مردم پیشنهاد نماید.

پارلمان اروپا مسئله ارامنه و عکس العمل دولت ترکیه

پارلمان اروپا قطعنامه ای را راجع به قتل

سوئد - کیرونا



کیرونا

به مناسبت اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان، هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در تظاهرات هرات احزاب و نیروهای سیاسی سوئد در صفا مستقل شرکت کردند. رفقای هوادار در این راه - پیمائی با حمل پلاکاردهایی که بر روی آنها شعارهای:

- زنده باد همبستگی بین المللی کارگران - سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق نقش بسته بود و همچنین با پخش اعلامیه هایی به زبان فارسی و سوئدی، ضمن محکوم نمودن فشار و اختناق حاکم در ایران اتحاد و همبستگی طبقه کارگر ایران را با کارگران سراسر جهان در مبارزه شان بر علیه نظام پوسیده سرمایه داری جهانی اعلام داشتند.

*

سندویکن

به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر، " کمیته برگزار کننده اول ماه مه " متشکل از هواداران سچفا در سندویکن و دیگر نیروهای انقلابی و افراد مترقی سا

انتشار فراخوانی، خواستار شرکت هر چه گسترده تر در راهپیمائی اول ماه مه گردید. در جواب به این فراخوان بیش از ۸۰ نفر از هموطنان مبارز در صفا مستقل در تظاهرات هرات کارگران و زحمتکشان سوئدی شرکت نمودند. این کمیته بعد از ظهر همان روز مبادرت به برگزاری نماینده کمیته در حضور بیش از یک هزار شرکت کننده در مراسم ضمن اعلام همبستگی کارگران و زحمتکشان ایران با کارگران و زحمتکشان و ستم دیدگان سراسر جهان، سراسر جهان خاتمه یافت. وضعیت طبقه کارگر ایران را



سندویکن

استکهلم



استکهلم

در تاریخ ۲۵ ماه مه به دعوت کمیته حمایت از زندانیان سیاسی در استکهلم، تظاهراتی جهت پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران برگزار گردید که هواداران سچفا فعالانه در آن شرکت نمودند.

راهپیمایان با گذشتن از خیابانهای اصلی شهر و فریاد شعارهایی چون "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "اعدامها را در ایران محکوم کنید"، "مرگ بر رژیم تروریستی حاکم بر ایران" به افشای جنایات رژیم پرداختند.

در خاتمه راهپیمایان شهروندان سوئدی از زندانیان با تجمع در مرکز شهر در سیاسی ایران و محکوم کردن قطعنامه‌های خواستار حمایت رژیم گردیدند.

فرانسه - پاریس



پاریس

میتینگ گرامیداشت سالگرد شهادت فدایی خلق سعید سلطانپور

انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه هودار سازمان جریکهای فدائی خلق ایران، در تاریخ شنبه ۲۰ ژوئن ۸۷، میتینگی را جهت گرامی داشت شهادت شاعر انقلابی، فدایی خلق سعید سلطانپور با حضور بیش از ۱۵۰ تن از افراد و نیروهای انقلابی و مترقی برگزار نمود. برنامه ابتدا با یک دقیقه سکوت به یاد تماشایی بخون تیپیدگان خلق آغاز شد. پس از آن شعرخوانی به زبانهای فارسی و فرانسوی

توسط دوتن از رفقا اجرا و در ادامه آن موسیقی ایرانی اجرا گردید. میتینگ با در قسمت دوم برنامه، موسیقی مترقی پروخاتمه سرودهایی توسط گروه کرانجمن یافت.

□

با کشورم چه رفته است .

سعید سلطانپور

سعد از تو ای
 ای آخرین ستاره اعدا می
 ای "خسرو" بزرگ
 که برق ولززه در ارکان خسروان بودی
 من هیچ سلسلی که در زمین یک انقلاب
 غیر از سلسلی ویرانه و خونا لود
 و خالی و برهنه های جوان می غلتند
 تا مثل خار سهمناک و درشتی
 - روئیده برگریبوه های گل

با کشورم چه رفته است
 با کشورم چه رفته است
 از شبم و شقایق سرشارند
 که زندان ها
 و بازماندگان شهیدان
 - انبوه ابرهای پریشان سوگوار -
 درسوگ لاله های سوخته
 می بارند

با کشورم چه رفته است
 با کشورم چه رفته است
 که گلها هنوز سوگوارند .

با شور گریه یاد
 آنک
 منم که تفتنه ترا ز گردبادها
 در خارزار بادیه می جرخم
 تا آتش نهفته به خاکستر
 آشفته ترز نعره خورشیدهای "تبر"
 از قلب خاکهای فرا موش سرکشند
 تا از قنات حنجره ها
 فوج خشم و خون
 روی غروب سوخته مرگ برکشند:

رویی غروب سوخته مرگ برکشند:
 این نعره من است
 این نعره من است که روی فلات می پیچد
 و خاکهای سکوت شانزده ساله را می آلود
 و با هزار مشت گران
 بر آسپهای عمان می کوبد
 این نعره من است که می دوید
 خاکستر زمان را
 از خشم روزگار



پنک است خون من، درد دست کارگر
 داس است خون من، درد دست پرورگر



بودی
یک انقلاب می گذرد
ن می غلتد
ب و درستی
بوه های گل سرخ

اما در بیخ و در در که جبرئیل ها "ا و"
با شهپر سید

از هر طرف فرود می آیند
و قلب ما ثقان جوان را
با چشم و جنگ و دندان می خایند
و پینه های وحشت پنهان را
با خون این قبیله می آلاینند
با این همه شجاع

آینده را بماند
در چشم روزگار
بر ارتش مهاجم این تازی
این تزار

با این همه شهید
کشورم چه رفته است که از کوجه های آتش و خون
با آتش تفنگ
انبوه یار پیوشان
انبوه ناگهان
انبوه انتقام نمی آیند

با آتش و رشهادت شوریدگان خشم
ای خشم ماندگار ای خشم
خورشیدان نفجار ای خشم
تاجوخه های مخفی اعدام
درجا معده های رسمی آنک

انبوه انتقام نمی آیند

آنک هزار لاشخور ای خشم
مثل هزار باره ی یال افشان
خون شیبه بسته است بر این ویران
دیگر بیار

بیار ای خشم
ای خشم چون گدازه آتشفشان بیار
روی شب شکسته استعمار

چشم صورت مردان دیری ست
در پرده های اشک نشسته ست
دیری ست قلب عشق
در گوشه های بندشکسته ست
چندان ز گوشه های قفس خوانندیم
کز یارهای زخم گلو بسته ست
ای دست انقلاب
مشت درشت مردم
گلمشت آفتاب
با کشورم چه رفته ست

گرامی باد

خاطره فدایی خلق

سعید سلطانیور



از دیگر آثار رفیق می-
توان کتابهای: چهره‌های
سیمون ماسار، "نوعی از هنر
نوعی از اندیشه، آوازه‌ای بند
(که در پیوند با فدائیان شهید
و به بیداری مردم سروده شده
بود و شکنجه و شکنجه‌گاه‌ها را
تصویر می‌کرد) نام برد. رفیق
سعید در رابطه با فعالیت‌های
انقلابی خود در دوران شاه
یا رها توسط مزدوران ساواک
دستگیر گردید.

در سرا سر زندگی انقلابی
رفیق سعید، روحی رزمنده در
تکاپوی مداوم بود. او که جز به
آگاه نمودن توده‌ها، جز به
پیروزی انقلاب توده‌ها نمی-
اندیشید، هرگز با سازش طلبی

ص ۳۲

باره ایران و غارت امپریالیسم
شورخفته مبارزاتی را در هنر-
مندان و روشنفکران جوان
برانگیخت و فضای تازه‌ای در
چشم‌انداز شعر مبارز ایران
گشود.

در سال ۴۹، نمایشنامه
"آموزگاران" را به صحنه برد.
ساواک به نمایش حمله برد و
کارگردان را بازداشت کرد.
رفیق سعید سلطانپور در اسفند
ماه سال ۴۹، صلاحیت‌د! دگاه‌های
نظامی شاه را رد کرد و به دفاع
از حقوق توده‌ها برخاست.
ساواک پس از سه ماه بدلیل
بازتاب گسترده این سرکوب
و دستگیری، درجا معه، او را از
زندان آزاد کرد.

فدائی خلق، سعید-
سلطانپور در سال ۱۳۱۹ در
خانواده‌ای کارگری متولد
شد. و بدین ترتیب از همان
کودکی با دردورنج آشنا شد.
با پایان دوره دبیرستان به
حرفه آموزگاری پرداخت. از
سال ۳۹ تا ۴۵ سیستم علمی
تئاتر را آموخت و در سال‌های
دانشجویی در دانشکده هنرهای
زیبای دانشگاه تهران، نمایش
- نامه "دشمن مردم" را کار-
گردانی کرد و به صحنه برد.
مبارزات دانشجویی بخشی از
زندگی اوست. در شبهای شعر
سال ۴۷، زیر سیطره خفقان و
سانسور، شجاع و خطرپذیر،
با خواندن اشعاری سوزان در

منزای فرانکفورت در تاریخ ۱۲ ژوئن ۸۷ نظاره‌گر برخورد‌های فیزیکی هواداران راه‌کارگر کوماندله بود. هنگامیکه رفت‌های ما از زاویه مباح جنسی و معنای انقلابی - نشان در قوا را گرفتند در کنار ضد انقلابیون - بوده‌ای - اکثریسی اقدام به مسرون ریختن این جرثومه‌های ضد انقلابی از محل تجمع نیروهای انقلابی و متفرقی نمودند. این عمل انقلابیان توسط اینان "حماق‌داری لقب گرفت".

آن نیروهای مجلسی کردستان که مدتهاست در منطقه تحمل وجود یکدیگر را ندارند و بارها کارگری که در دفاع از **دوق باره‌های توده‌ای** - جمعی متوسل می‌شود، معلمان خوب که هیچ شاگردان ممتازی نیز جهت آموختن دیکراسی به عنوان یک مقوله تلقی نمی‌شده و نیستند.

اطلاعیه

هموطنان مبارز و آگاه!

منزای دانشگاه فرانکفورت در تاریخ ۱۲/۶/۸۷ شاهد درگیری دیگری بود. این بار دست‌های ضد انقلابیون توده‌ای - اکثریتی از آستین راه‌کارگر بیرون آمد. راه‌کارگر که هم‌اکنون بعنوان سخنگوی جدید جبهه رفرمیست‌ها در آمده، در تلاش بخاطر بیرون آوردن این خائنین به خلق از "بایکوت سیاسی" به ضرب و شتم هواداران نیروهای مترقی و انقلابی پرداخته و جماعتی را خویش را در معرض عموم به تماشا گذاشت.

از زمانیکه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بهره‌برداری خویش را از ضد انقلابیون توده‌ای - اکثریتی - ها در سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی، کارگران و زحمتکشان و خلق‌های مبارز ایران و خلاصه در یک کلام آزادی و دمکراسی بعمل آورد و آنها را از درون ارگان‌های سرکوبگرش بیرون بیرون پرتاب نمود، راه‌کارگر در جهت تکمیل جبهه متحد توده‌ای - راه‌کارگری خود و متحد ساختن دیگر رفرمیست‌ها گام‌های سریعتری را بسوی رفرمیسم و دوری از نیروهای پرولتری و انقلابی برداشت. از آنجا که تلاش‌های جریانات خائن توده‌ای - اکثریتی در پیشبرد سیاست‌های خود با مخالفت سرسختانه کلیه نیروهای مترقی و انقلابی، دمکرات و آزادیخواه بویژه هواداران سازمان‌های فدائی خلق ایران قرار گرفته است، راه‌کارگر با توجه به تزلزل بیشمار و در غلطیدنش به آغوش رفرمیسم بعنوان آتش‌بیا ر معرکه بجلو انداخته تا از طریق سپر قرار دادن آن برای خویش کسب حیثیت نمایند و به آرایش چهره‌گریه رفرمیسم خود بپردازند.

اولین تلاش راه‌کارگر در این زمینه مخدوش نمودن صف انقلاب و ضد انقلاب بود تا بدین وسیله بتوانند با "هر قلم و قدمی" و همچنین توهم‌پراکنی در میان توده‌های هوادار سازمان‌های انقلابی و مترقی زمینه فعالیت سیاسی را برای متحدین آینده خود فراهم سازد و محیط دانشجویی را که سالهاست از وجود این جریان‌ها پاک بوده است دوباره ملوث نماید.

هم‌اکنون که تاکتیک - های راه‌کارگر بخاطر خروج ضد انقلابیون توده‌ای - اکثریتی از "بایکوت سیاسی" و تحمیل آنها به نیروهای مترقی و انقلابی در درون منازها به ضد خود تبدیل شده و هر چه بیشتر منجر به انزوای راه‌کارگر در بین نیروهای سیاسی موجود گردیده است، راه‌کارگر سعی دارد با به پیش کشیدن "انتقادات" آنها مبنی بر خطا‌هایی در گذشته آب تظہیر بر روی جنایات حزب توده و اکثریتی‌های خائن که می - بایست در دادگاه خلق محاکمه و جوابگوی اعمال ننگین و جنایتکارانه‌شان باشند ریخته تا همکاری نزدیک و علنی خود را با این ضد انقلابیون پیش از پیش سامان بخشد. اگر تا به حال نشریات حزب توده و اکثریتی‌ها در کیف راه‌کارگر

بطور مخفیانه و شرمگینانه بخش می‌شد ولی از این به بعد صورت علنی و پادفای بی - شرمانه از این خائنین تکثیر و تبلیغ می‌کردند. در همین راستاست که راه کارگزاران دو هفته پیش رسماً اقدام به بخش گروه "منشعین حزب توده" در سرای دانشگاه فرانکفورت می‌نماید. کدبانوهای سازمان و دیگر نیروهای انقلابی و مرنی در سطح دانشگاه مواجده می‌کردند، تا حائیکه وقتی قافیه این زهرمسیهای نازیه - دوره ان رسیده به تنگ آمده شروع به فحاشی نموده و برجسب - های کهنه شده - نموده - ای - اکثریتی را که در دفاع از رژیم جنایتکار و وابسته به امپریا - لیس جمهورى اسلامى نشان - نیروهای مترقی و انقلابی به ویژه سارمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌کردند به این سازمانها نسبت می‌دهند. مسلماً این شیوه برخورد راه کارگر ابزار خود را که همان چماق - داری است نیز بهمراه داشت . کما اینکه در روز جمعه ۸۷/۶/۱۲ با سازماندهی از قبل تعیین شده و با بسیج افراد خود از شهرهای اطراف به درگیری ، ضرب و شتم و فحاشی اکثر سازمانها و گروههای سیاسی موجود در منازا پرداختند .

هموطنان مبارز ! سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مصمم است همچون گذشته به مبارزه قاطع و پیگیر خود بر علیه رفرمیستها و ضد انقلابیونی که بشیوه های مختلف سعی در به انحراف کشاندن مبارزات انقلابی طبقه کارگر و دیگر اقشار زحمتکش جامعه دارند ادامه داده و آنها را افشا و طرد نماید .

ماضن محکوم چماق - داری اخیر راه کارگر به آنها هشدار می‌دهیم که اگر تا کتیک، توده ای - اکثریتی ها راجهت مقابله با نیروهای انقلابی و مترقی برگزیده باشند ساکت ننشسته و مسلماً با حفظ متانت انقلابی خود آنها را بی - ش از پیش افشا و طرد خواهیم نمود .

مرگ بر ایورتونیسیم در تمام جلوه هایش

سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (۸۷/۶/۲۵)



"راه کارگر" زیر کدام سقف ؟ در روز ۸۷/۶/۱۲ "منزای" فرانکفورت شاهد ما جرایبی بود که نفرت همگی نیروها و افراد

مترقی ایرانی حاضر را بر - انگیخت . در این روز چندین تن از هواداران سازمان های انقلابی و به همراه تعدادی از ایرانیان مبارزه افشاگری نسبت به عمل "راه کارگر" در رابطه با گذاشتن ج - سزوه "منشعین از حزب توده" بر روی میزشان و اهدافی را که از این طریق در تقویت خط توده ای - اکثریتی دنبال می‌کنند پرداختند ، و سئوالات جنیدی را از هواداران " راه کارگر" در این مورد مطرح نمودند . در بحبوحه بحث به ناکهان یکی از هواداران "راه کارگر" که از جواب در مانده بود ، با استدلال مشت یکی از سئوال کنندگان را مورد تهاجم قرار می‌دهد و سپس دستجمعی به میز هواداران کومه له حمله نموده و با "حاسوس آمریکایی" خطاب کردن کومه له هواداران این سازمان را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد و در ادامه هوا - داران ارتش رهائی بخش را نیز از منطق چماق خویش بی - نصیب نگذارند ، کلیه هواداران نیروهای حاضر در طول این درگیری با شعارهای انقلابی عمل آنها را محکوم کردند .

رفرمیستهای راه کارگری که زمانی با دمیدن در بوق و کرنای خویش با منطق

"دمکراسی بورژوازی" هرگونه درگیری فیزیکی با دارودسته ضدانقلابی توده‌ای - اکثریتی را جماداری می‌نامیدند و از این طریق سعی برکشیدن پرده ساتری بر روی اعمال ضد انقلابی آنها (از جمله جاسوسی به نفع رژیم ضد خلقی ج.ا. و حمله به گروهها و سازمانهای انقلابی، شهادت رفیق شهرام میرانی و) می‌نمودند و دسته توده‌ای - اکثریتی ای که سالها در کنار عنا صر رژیم ضد خلقی ج.ا. توده مردم و هیج نیروی انقلابی را از گزند چماق "وحدت کلمه" خویش بی- شمر نگذاشتند. اما حال که چپ انقلابی با بحران موقت روبرو گشته است "راه کارگر" موقع را "مناسب" تشخیص داده و یکبار ه دادخواهی "دمکرات" منشا نه خود را رها کرده و این بار آن را با بسیج نیرو به مضروب نمودن هواداران نیروهای انقلابی می‌پردازد و با کپه القاب مورد استناد ج.ا. حزب توده - اکثریت همچون "جاسوس آمریکایی" و غیره، بار دیگر تا کتیبه اتهامات بی پایه و اساس و ضد انقلابی را برای "مرعوب نمودن" نیروهای انقلابی به کار می‌گیرد، تا بعد از دسته گل بیرون آوردن اکثریتی های کشتگری از "بایکوت سیاسی"

این بار به ضرب چماق جناح - های دیگر این جمع ضد انقلابی راهم از "بایکوت سیاسی" بیرون آورد و همگی به زیر یک سقف بر علیه منافع طبقه کارگر ایران و توده های مردم تئوریهای ورشکسته بیافند. اما راه کارگر باید اندکمه توده های مردم و انقلابیون ایران آنقدر تجربه کسب کرده - اند تا اجازه ندهند بار دیگر تاریخ به شکل مضحکه آن تکرار گردد. تمامی فرمیستها باید بدانند که مشخمت و چگونگی سالع انطباقی با شرایط اوا خرده ده ۵۰ ندارد و گذشته دارودسته حزب توده و اکثریت بیش از آن لجن بار است که بتوان آن راحتی بسیار زور "چماق" راه کارگر نیز تظهير نمود.

سرنگون با در رژیم جمهوری اسلامی - برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق نابود با دامپریا لیزم جهانی به سرکردگی امپریالیزم آمریکا و پیگاه دا خلیش انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۹ ژوئن ۱۹۸۷

بقیه انتقال جهان... "جهان" در تداوم حرکت خویش در افشای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، دفاع از حقوق خلقهای تحت ستم ساکن ایران شناساندن و تبلیغ و ترویج ادبیات انقلابی، مسائل زنان، شناساندن آثار کلاسیک و جدید مارکسیستی، معرفی و انتشار اسناد جنبش کمونیستی جهانی و ... و مبارزه ایدئولوژیک خلاق حول این نشریه سراسری از هیچ کوششی دریغ نخواهد ورزید، در این راستا ما خواستار فعال تر شدن هر چه بیشتر هواداران سازمان و همکاری های آنان و کلیه نیروهای انقلابی - مترقی برای غنی تر کردن محتوای "جهان" و پیشبرد این امر مهم می‌باشیم. برای تماس با جهان و فرستادن اخبار و گزارشات و نامه ها و عکسها و طرحها و غیره با آدرس جدید ما مکاتبه نماید.



سالروز شهادت

دومین شهید

جنبش دانشجویی خارج از کشور

رفیق شهرام میرانی



دهم ژوئن، سالروز بخون
تپیدن رفیق شهرام میرانی،
رفیق به خون تپیده جنبش
دانشجویی خارج از کشور است.
در نهم ژوئن ۱۹۸۲،
مزدوران رژیم جنایتکار
جمهوری اسلامی به همراه خود
فروختگان اکثریتی در حمله
ای ناخوانمردانه، رفیق
شهرام و چند دانشجوی دیگر را
مضروب نمودند. در سپیده دم
روز بعد، رفیق شهرام در اثر
جراحات وارده، دیده از جهان
فرو بست و قلب پرتپش و ملامال
از عشقش به آرمان کارگران و
زحمتکشان که همان آرمان
سازمانش بود، از حرکت باز
ایستاد.
راه شهرام، راه هزاران
بخون تپیده فدائی است که

مصمم و استوار، در راه آرمان
های والای خویش از جان خود
نیز دریغ نورزیده اند.
در گرامیداشت پنجمین
سالگرد بخون تپیدن رفیق
شهرام میرانی، با یاد او به
پیش برای گرامیداشت خاطره
اش در صبح پیروزی کارگران
وزحمتکشان. □

بقیه گرامی باد...

و خیانت به توده‌ها روی آشتی
نشان نمی‌داد. در همین راستا
بود که از هنگام بروز نخستین
نشانه‌های سازش طلبی و
خیانت پیشگی اکثریت کمیته
مرکزی، از همان هنگام که جناح
راست اکثریت به دفاع از رژیم
ضد خلقی و ارتجاعی جمهوری
اسلامی پرداخت، در برابر این
سیاستها ایستاد و با تمام توان
ورز ماندگیش برای رسوا کردن
آن کوشید.

رفیق سعید بعنوان
نویسنده، شاعر و کارگردان، عضو
کانون نویسندگان بود و به
خاطر ارزش کار رهبری و آزادی
خواهی انقلابی اش به عضویت
هیئت دبیران کانون
نویسندگان برگزیده شد.

آخرین روز بهار، روز
ریختن عطر خون سعید به خاک
بود. اما با خون او شقایقهای
بهار دیگری شکفته می‌شود. این
ایمان ماست! سنگ گورا و در

کنار سنگهای گوردیگرفدائیان
و مبارزان، سنگفرش راهیان
شهر خورشید فرداست. این نیز
ایمان ماست!

رفیق سعید در سنگرسرخ
سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران رزمنده‌ای پر شور و
تزلزل ناپذیر بود که با عشق
عمیق به طبقه کارگر و هم

زحمتکشان، بطور خستگی ناپذیر
و پیگیر، برای آگاهی و بسیج
توده‌ها در جهت پیروزی نهایی
تا پای جان جنگید.

یادش گرامی و راهش
پررهور و پاد. □

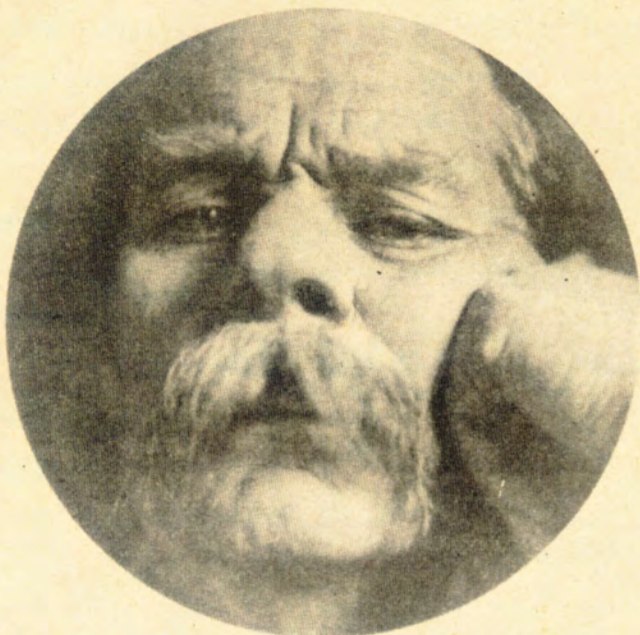


رادیو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

موج کوتاه ردیف ۷۵ متر

همه روزه ساعات

۶/۵ بامداد و ۱۲/۵ و ۸/۵ بعد از ظهر



نامه‌ای از ماکسیم گورکی

سرجوئی پاولویچ عزیز ،

شیوه بیان، زبان باز،
و در نتیجه، سرد است.
کلمه‌ها، قیاسها و تشبیهات
فراوانی هستند که به غلط بر-
گزیده شده اند و بی سلیقه روی هم
تلنبار گشته اند، در نتیجه
آزار دهنده اند. زیاده از حد
فلسفه می بافی، الزامی در این
کار نیست.

نویسندگی باید ساده
و بی پیرایه باشد، سرچشمه هنری
- اش نیز در همین جا است. هر
چیز قدرتمند و توانایی آرایش
است. داستایوسکی زمانی
می گفت: "نبوغ همواره قدری
ابله است" - یا این کلمات،
او گفته مرد خردمند دیگری را
تکرار کرده که گفت: "نبوغ باید
ساده دل باشد."

گری و جهالت، جملگی موضوعاتی
هستند که همانطور که خود می -
دانی - پایه و اساس شاهکارهای
ادبی را ایجاد می کنند و در عین
حال موضوعات روز مـسـره ای
هستند که مبلغان با آنها سر و
کار دارند. آیا آلمان ها این
اثری هنری نیست؟ و آیا
"افسانه خروس طلایی" پوشکین
دارای جهت گیری و گرایش
نیست؟ وجهت دار تر از همه
خود هنر "محض" است که اساسا
همواره مبلغ فردگرایی بوده
است و تا به امروز خود را وقف
دفاع از آزادی مطلق فرد
کرده است.

در رابطه با دست نوشته
تو، نمی توانم جز موافقت با
عقیده خودت نظر دیگری داشته
باشم: واقعا از همان ابتدا
"پرطمطراق" و "گرافه گو" است

برای شخص من هیچگونه
شک و تردیدی وجود ندارد که هر
ابده ای را می شود در قالب هنری
مطرح کرد، فقط استعداد لازم
دارد. من به وجود هر "محض" که
کاملا از هر نوع جهت گیری
اجتماعی و آموزشی عاری باشد
هیچگونه اعتقادی ندارم - نه
چنین هنری را سراغ دارم و نه
آنها ممکن میدانم. نویسندگان
نابغای چون داستایوسکی و
تولستوی نیز در جا هایی که
آنها را هنرمند می خوانیم -
گرایشاتی داشته اند.

تصور اینکه پدیده های
زندگی را به دو مقوله تقسیم
کنیم که یکی در حیطه نوشتار
تبلیغی و دیگری در حیطه هنر
"محض" قرار گیرد در مخیله من
نمی گنجد. عشق، گرسنگی، مرگ،
خسونت علیه انسانها، عامی -
"پرطمطراق" و "گرافه گو" است



حمید اشرف تجسم اراده خلل ناپذیر فدایی خلق

هشتم تیر ۱۳۵۵، پس از ابرده، محمد مهدی فوقانی، گذشت شش سال از حیات خونبار غلامعلی خراطپور، علی اکبر

سازمان، جنبش نوین کمونیستی و زبیری به شهادت رسیدند. ایران بار دیگر با یکی از دستگاههای پلیسی - ضربات سهمناک و کاری مواجه ارتجاعی رژیم شاه با مصروف گردید. خیرشهادت تعدادی از مخارج کلان و پراواننداختن اعضا و کاررهری سازمان بوق و کرنای تبلیغی بسیار چریکهای فدائی خلق ایران به عبث کوشید تا چنان جلوه که توسط روزنامه های رسمی دهد که بردشمن سرسخت خود رژیم به گوش جهان نیا نرسید، فائق آمده است و تلاش نمود توده های زحمتکش میهنمان این را پایان زندگی پر جوش را ساخت متاثر و در غم اندوه شدید و خروش "فدائی خلق" قلمداد نمود. اما واقعیت این بود

طی یک درگیری چند که میزان قدرت، وسعت و نفوذ ساعت رفیق کبیر حمید اشرف، اجتماعی سازمان دهها برابر یکی از بنیانگذاران و رهبران آن چیزی بود که رژیم تصور برجسته سازمان بهمراه تنی می کرد. بذری که افشاند شده چند از همزمانش، رفقا: یوسف بود و با خون گرم حمید آبیاری قانع خشکه بیجاری، غلامرضا شد، پس از گذشت پنج سال از لایق مهربانی، رضا یثربی، کوران سخت مبارزه به درخت فاطمه حسینی، محمد حسین حق - تنومندی مبدل گشته بود که نواز، طاهره خرم، عسگر حسین هیچ نیروئی رایارای درهم

شکستش نبود.

سلسله ضربات سال ۵۴-

۵۵ و پیامدهای پس از آن علی - ر غم لطمات سنگین وجدی اش را ز شکست ناپذیری "فدائی خلق" ر افاش نمود، اگر چه در این ضربات رفقای ارزنده ای چون حمیدیه شهادت رسیدند، رهبر کبیری که بر آستی تجسم واقعی عزم پولادین هزاران انسان کمونیست، که فداکارانه در راه آرمان والای کارگران و زحمتکشان از هیچگونه جان - فشائی و قهرمانی دریغ نمی - ورزند، بود. اما با این ضربه هیچگونه توقفی در حرکت پیروزمند "فدائی" ایجاد نگردید و سازمان که در میان

بقیه حمید اشرف...

خون و آتش نطفه بسته بود و به بهای خون صدها فدائی، کار - گران و زحمتکشان، پا برجا و شکست ناپذیر در مسیر رسالت خونین خود گام نهاده بود به عنوان تنها سازمان اجتماعی قابل اعتماد و پرنفوذ در اعماق قلب توده ها جای گرفته بود و دیگر به دژ تسخیرناپذیر مبارزه انقلابی توده ها مبدل گشته بود.

حمید در زندگی انقلابی

اش نمونه بارز یک انسان طراز نوین و قهرمان پایداری و مقاومت بود. او طی ۱۳ سال فعالیت انقلابی و مبارزاتی - اش به یک سازمانگر و روزی - تبدیل شده بود و عالیترین - خصائل و قابلیت های انقلابی را در خود پرورش داده بود. او به خلق و همزمانش عشقی عمیق میورزید و با آنانی که در حین روبرویی با واقعیت های عینی و عملی دچار تردید و متزلزل گشته و یا در حرکت پرنسیپ های تشکیلاتی را لگدمال می نمودند، برخوردی قاطع و بیرحم می نمود و مدافع جدی نظم انقلابی تشکیلات بود. رفیق حمید اشرف مصمم و خستگی - ناپذیر بر موازین اعتقادی سازمان پای میفشرد و هرگز لحظه ای در امر انجام وظایف انقلابییش دچار تردید و متزلزل

نمیگشت و همواره بر آن بود تا ما رکسیسم - لنینیسم را در زندگی واقعی به مرحله اجرا در آورد. زیرا که اعتقاد داشت محک درستی و صحت مفاهیم ما رکسیسم پرا تیک عینی واقعی است.

رفیق حمید طی گذشت شش سال از زندگی پرتپش و خونین سازمان، بویژه پس از ضربات سال ۵۰ که سازمان در محاصره انواع فشارها قرار گرفته بود با اراده ای خلل - ناپذیر بارها و بارها سازمان را از نواحی نمود و با قدرت شگرف سازمانگری اش تشکیلات را با زسازی کرد و فشار بسیار مسائل را در شرایط زندگی مخفی بجان خرید. او با درک واقعیتها و محدودیت های عینی و مادی و شناخت اسلوب مناسب و عملی و ارائه آن، شرایط لازم و کافی را برای پیشبرد حرکت سازمان مهیا می نمود. او با ثبات قدم، به استواری کوه در مقابل سختیها و دشواریها می ایستاد. حمید نقش سازمان و اهمیت بقاء آن و ضرورت ادامه کاری یک تشکیلات کمونیستی را با تمام وجود درک نموده بود و به نقش و اهمیت کارها و قوای یک سازمان ادامه کار را اعتقاد عمیق داشت. او با هرگونه شتابزدگی در عمل و عدم شناخت پارامترهای موجود به

مقابله بر می خاست. تمیز بینی ابتکار و خلاقیت، ابداع و تمحر در برگزیدن تاکتیک های مناسب به حمید قدرت توانایی خاصی در برخورد با پلیس - بخشیده بود. معروف است که رفیق حمید بگونه ای قهرمانا - نه و معجزه آسا، شانزده بار تورپلیس را در هم شکست و شجاعانه از محاصره و مهلکه مزدوران جان سالم بدر برده بود.

دوران پرتلاطمی که طی هفده سال فعالیت، سازمان از سر گذرانده، سرشار از اشتباهات فرازونشیبها و شکست و پیروزی است. اما آنچه مهم است و حمید نیز به آن معتقد بود، همانا برخورد خلاق با مسائل، بهره - گیری و جذب تجارب، حفظ نکات مثبت و طرد اشتباهات است. همان چیزی که حمید در زمینه آن توانایی و آمادگی فوق العاده ای داشت، همچنانکه می گفت:

"هرگز بدون تجربه و عمل و ارتکاب اشتباهات نمی توانستیم رشد کنیم. تا ریبخ تمام انقلابات نشان می دهد که چگونه جنبش ها افت و خیز بسیار داشته اند و تا چه حد مرتکب اشتباهات کوچک و بزرگ شده - اند و آسیب های بزرگی دیده اند ولی پس از بروز شکستها با بهره گیری از تجارب و نقد آن

مجدداً به سرپا برخاسته اند. " اگر حمید رهبر برجسته - ای که در سخت ترین شرایط مبارزاتی با قاطعیت و شکیبائی کمونیستی سازمان راهبری می کرد، به شهادت رسید، لیکن خون حمید در رگهای صدها رفیق فدائی که در سنگرمستحکم سازمان برای دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان به مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داری به پا خاستند در جریان بود و فدائی خلق مظهر ایمان سرشار به توده ها، فداکاری و از خود گذشتگی کمونیستی زنده میوه در ادامه خط سرخ خون حمید، راه پرفراز خود را تا کنون سیر نموده است.

وضعیت سازمان بویژه در سالهای اول انقلاب مرهون و نتیجه فداکاریها و تجسم قهرمانیها و مقامهای رفقای نظیر حمید اشرف بود. پس از گذشت یک دوران طولانی باید از این همه مقاومت و قهرمانیها و شکیبائی درس گرفت. این تجربیات برای سازمان که از نخستین سالهای آغاز فعالیت خود به یک جریان واقعی و اجتماعی تبدیل شده از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بخصوص که این تجربیات به بهای سنگین بدست آمده است.

ضربات سال ۵۵ و پیاپی مد - های آن آموخت که نباید از شکستهای مقطعی هراسید. بایستی از تجارب آن دژهای مقاومت ساخت و در راه دست یافتن به اهداف انقلابی با درک و ایمان محکم به حقانیت تاریخی خود تدارک سنگرهای پیروزی را دید. کسانی که با افت و خیز جنبش متزلزل می گردند و یک چرخش کامل در مسیر حرکتشان پدید می آید، کسانی که با برآمدن جنبش نمایان می گردند و با افت یا شکست جنبش دچار رخوت و کسالت گشته و به خواب می روند و یا بدلیل کج اندیشی و عدم درک محدودیتهای عینی و مادی و امکانات عملی سازمان از نفس افتاده و سنگر را خالی می کنند، نه تنها یک فدائی رزمنده و کمونیست نمی باشند، بلکه صرفاً انقلابی نماهای ترسوئی هستند که با درآرامش دریا ملاحظی را آموخته اند و یا بدنبال آمال خرده بورژوازی خود برای یافتن جایگاهشان سرگردانند.

ضربات سال ۵۴ - ۵۵ و انشعابات پس از آن نشانگر یک واقعیت انکارناپذیر می باشد و آن اینکه متناسب با تغییر و تحولات درونی جامعه و صف بندی نیروهای اجتماعی سازمان نیز مسیر پویا و بالنده خویش را طی نموده و در هر مرحله و هر تندپیچ صافش فشرده تر و انسجامش قوی تر گشته است. سازمان با تصفیه همه و هرگونه گرایش خرده بورژوا منشانه پیگیر و سرسخت بر مبنای الزامات کنونی جنبش با تعیین استراتژی و تاکتیک مشخص و روشن در راه ایجاد یک سازمان پرولتاریا، حزب طبقه کارگر گام بر می دارد. امروز واقعیت های درونی جنبش صحت خط و مشی، برنامه و سیاستهای انقلابی سازمان را به اثبات رسانیده است، هیچ نیروئی ریاکارای مقابلها عزم و اراده خدشه ناپذیر سازمان در امر پیشبرد وظایف انقلابی و کمونیستی اش نیست. اما هنوز راه درازی در پیش است. راهی که چه بسا توام با شکستها و پیروزیهای شود. مهم نیست، مهم این است که هنوز سنتها و ارزشهای انقلابی در درون سازمان زنده است و هزاران رفیق فدائی در میان دریای بیکران توده ها با تمام وجود با نیروی ایمان و شور و شوق انقلابی به مبارزه ادامه می دهند و چون حمید رهبر کبیر سازمان تا واپسین دم حیات در سنگر باقی می ماند و یک لحظه در ادامه راه خود تردید نمی کنند و با مشاهده هر نا ملامتی نه تنها جان نمی خورند بلکه پرتوان تر بر تحرک و فعالیت

لنین

درباره

تولستوی



تولستوی و جنبش نوین کارگری

کارگران روس، عملادر
تمام شهرهای بزرگ روسیه،
عکس العمل خود را نسبت به
مرگ ل.ن. تولستوی و، به نحوی
از آنجا، نظر خود را درباره
نویسنده‌ای ابراز کردند که
خالق بسیاری آثار هنری
جشمگیر می‌باشد. آثاری که او
را در رده بزرگترین نویسندگان
جهان قرار داد، درباره متفکری
که با قدرت فراوان، اعتمادیه
نفس، و صداقت سئوال‌هایی را
در رابطه با نموده‌های اساسی
نظام نوین سیاسی و اجتماعی

مطرح نمود. بطور کلی این نظر
در تلگرام مندرج در روزنامه‌ها
که از طرف نمایندگان کارگری
در دوما ی سوم فرستاده شده
بود، اظهار گشته است.
ل. تولستوی فعالیت
ادبی خود را زمانی آغاز کرد
که سرواژهنوز وجود داشت، اما
به آخرین روزهای زندگی‌اش
نزدیک می‌شد. فعالیت اساسی
تولستوی به دوره بیست و دو
چرخشگاه تاریخ روسیه - ۱۸۶۱
و ۱۹۰۵ - تعلق دارد. در طی این
مدت، اثرات سرواژ و بقایای
مستقیم آن در سراسر زندگی
اقتصادی (بویژه در نواحی

روستایی) و سیاسی کشور پخش
شده بود. و، در عین حال، این
مدت، دوره رشد سریع سرمایه -
داری، از پایین، و پیاپی کردن
آن، از بالا، بود.

بقایای سرواژ درجه
چیزی به حیات او داده می‌دادند؟
بیشتر و واضحتر از همه در این
حقیقت که در روسیه، که چا معه -
ای عمدتاً زراعی بود،
کشاوری حرفه دهقان مفلوک
و بینوایی بود که با شیوه‌های
عهد عتیق و ابتدایی، بر روی
تقسیمات کهنه فئودالی که در
سال ۱۸۶۱ به نفع زمینداران
مشخص شده بود، کار می‌کردند و

از طرف دیگر کشا ورزی در دست
زمیندارانی بود که در روسیه
مرکزی، بوسیله نیروی با زوی
شخمهای چوبی و اسب دهقانان
در ازا "زمینهای تقسیم شده"
چراگاهها، و دسترسی به ذخیره
آب و ... بر روی زمین کشت
می کردند. این سیستم از همه
نظریک نظام اقتصادی کهنه
فئودالی بود. در سراسرایین
دوره، سیستم سیاسی روسیه نیز
به تمامی سیستمی فئودالی
بود. این امر از قانون اساسی
دولت پیش از نخستین حرکت -
های سال ۱۹۰۵ برای تغییر
آن هویدا است، همچنین از نفوذ
فراوان اشراف زمینداران امور
دولتی و از قدرت نامحدود
ما مورین رسمی، بویژه در رده -
های بالایی، از اشراف زمیندار
بودند.

پس از ۱۸۶۱، این روسیه
پدرسالار کهن، زیر نفوذ سرما به
- داری جهانی، بسرعت روبه
تجزیه نهاد. دهقانان گرسنه
بودند، می مردند، و زندگیشان
بیش از پیش تباہ می شد، و
زمینهای خود را رها کرده، به
شهرها می گریختند. از صدقه سر
"کارارزان" دهقانان سیه روز
خطوط آهن بسیاری کشیده شد
کارخانه های فراوانی تاسیس
گشت. سرما به بزرگ مالی، به
همراه تجارت و صنعت، در
مقیاس بزرگی در روسیه در حال

تکامل بود.

این ویرانی سریع،
دردناک و شدید تمام "ستون"
- های قدیمی روسیه کهن بود
که در آثار تولستوی هنرمند و
در اندیشه تولستوی متفکر -
منعکس شده بود.

تولستوی در باره
روسیه روستایی و شیوه زندگی
زمینداران و دهقانان آگاهی
فراوانی داشت. در آثار
هنرمندانهاش، شرحی از این
زندگی را بدست داد که جز
عالیترین آفریده های دنیای
ادب بشمار می رود. ویرانی
همه جانبه تمام "ستونهای
کهن" روسیه روستایی توجه او
را جلب کرد و علاقه اش را به آنچه
در اطرافش بوقوع می پیوست
شدیدتر ساخت و این، به تغییری
اساسی و بنیادی در کلیت
جهان بینی اش منجر گشت.

تولستوی از نظر نسب و تحصیلات
به بالاترین رده اشرافیست
زمیندار روسیه تعلق داشت. -
وی از تمامی نظریات مرسوم
چنین محیطی برید و در نوشته -
های بعدی خود، سرا پای رژیم
معاصر، کلیسا و نهاد های اجتماعی
و اقتصادی - که بنیان شان بر
اسارت توده ها، برفقرشان،
بر تیره روزی دهقانان و همه
خرده مالکین، برفشار روریکاری
که سرا پای زندگی معاصر را در
بر می گرفت، قرار داشت. را

با انتقادی تند و کوبنده مورد
حمله قرار داد.

انتقاد تولستوی تازه
نبود. او هیچ چیزی نگفت که
مدتها پیش از وی - چه در
ادبیات اروپایی و چه در
ادبیات روسی - توسط دوستان
مردمان کارگربیان نشده بود
اما یگانگی نقد تولستوی و
اهمیت تاریخی آن در اینست
که نوشته های او، با قدرتی که
تنها از آن هنرمندان نابغه
است، به بیان تغییرات عمیقی
پرداخت که در افکار وسیع ترین
توده های مردم روسیه این دوره
یعنی روستائیان و کشا ورزان
در حال وقوع بودند. انتقاد
تولستوی از نهاد های معاصر
با انتقاد نمایندگان جنبش
نوین کارگری از این نظر
اختلاف دارد که دیدگاه تولستوی
همان دیدگاه کشا ورز پدرسالار
بیریانی بود که تولستوی
روانشناسی اش را وارد نقد و
آموزه (Doctrine) خود کرد.
انتقاد تولستوی از آنچنان
توان عاطفی، شور، قدرت اقتناع،
تازه گی، صمیمیت و بیباکی در
"دست به ریشه بردن" برای یافتن
دلیل پریشانی توده ها، تنها
به این دلیل برخوردار است
که این انتقاد بواقع تغییرات
اساسی در عقاید میلیونها
کشا ورز را بیان می کند که به
تازه گی از فئودالیسم رهایی

یافته بودند و مشاهده کرده بودند که معنای آزادی، هراسی نواز سیه روزی، مرگ از گرسنگی بی‌خانمانی در میان اقشار پائینی جمعیت شهرنشین، و شرایطی از این قبیل می‌باشد. تولستوی احساسات آنانرا با چنان درجه‌ای از وفاداری منعکس کرده بود که بی‌ریایی، بیگانگی از زندگی سیاسی، درویش مسلکی، تمایل به کناره‌گیری از دنیا، "مقاومت ناپذیری در مقابل شر"، و نفرین عاجزانه دهقانان علیه سرمایه‌داری و "قدرت پول" جزئی از آموزه‌اش گشته بودند. اعتراض میلیونها دهقان و یاهشان - اینها درآموزه تولستوی جمع شده بودند.

نمایندگان جنبش‌نویس کارگری درمی‌یابند که دلایل بسیاری برای اعتراض، اما علتی برای یاس ندارند. یاس، ویژگی طبقات میرامی - باشد، اما طبقه کارگران روز - مزد، در همه کشورهای سرمایه - داری از جمله در روسیه، بطور اجتناب ناپذیری رشد می‌کند، تکامل می‌یابد و قوی می‌شود. یاس ویژه آنها نیست که دلایل وجودش را درک نمی‌کنند، راه برون رفتی نمی‌یابند و توان مبارزه ندارند. پرولتاریای نوین صنعتی به اینگونه طبقات تعلق ندارند.

ناش پوت، شماره ۷
۲۸ نوامبر ۱۹۱۰
امضا: و. ای. لنین

مجموعه آثار - جلد ۱۶
صفحات ۳۲-۳۳

تولستوی و مبارزه پرولتری

کیفرخواست تولستوی از طبقات حاکمه با قدرت و صداقت فراوانی تنظیم شده بود، وی با صراحتی کامل از دروغ باطنی تمامی نهادهایی که جا معاً مروزی را سرپانگه می‌دارند - کلیسا، دادگاههای قانون، نظامی‌گری، زناشویی "قانونی"، علم بورژوازی - پرده برداشت. اما آموزه او کاملاً مخالف زندگی، کار و مبارزه گورکنان نظام اجتماعی نوین - پرولتاریا - از آب درآمد. پس نقطه نظرات چه کسانی در تعلیمات تولستوی منعکس است؟ از لابلای لبان وی، جمعیت کثیری از مردم روسیه صحبت می‌کرد که علیرغم اینکه از آریایان زندگی جدید نفرت داشت، اما هنوز به مرحله مبارزه هوشیارانه، پیگیر، مصمم و پایداری علیه آنان پیشرفت نکرده بود.

تاریخ و پی‌آمد انقلاب کبیر روسیه (۱) نشان داد که آن جمعیت کثیر، دقیقاً توده‌ای بود که خود را بین پرولتاریای

برخوردار از آگاهی طبقاتی و سوسیالیست و مدافعین سرسخت رژیم کهن یافت. این توده که اکثراً از دهقانان تشکیل شده بود، در جریان انقلاب نشان داد که حق در تنفرش از نظام کهن شدید است، که جقدر احساسی از آلام رژیم نوین شدید می‌باشد، و آرزوی خود انگیخته‌اش برای رهایی از آن نظام دوستیابی به زندگی بهتر چه بی‌تابانه است.

اما در عین حال این توده در انقلاب نشان داد که تنفرش به قدر باید و شاید از آگاهی سیاسی بهره نداشت، که در مبارزه‌اش پیگیر نبود و خواسته‌اش برای زندگی بهتر جارجوب محدودی داشت.

این اقیانوس عظیم انسانی، که تا ژرفایش متلاطم بود، با همه ضعفها و تمام جنبه‌های قدرتش، انعکاس خود را در آموزه تولستوی یافت. طبقه کارگر روسیه، با مطالعه آثار ادبی تولستوی، دشمنش را بهتر خواهد شناخت. اما تمامی مردم روسیه، در سنجش آموزه تولستوی، ناچار از درک این خواهند بود که ضعفشان در کجاست، ضعفهایی که به آنها

محال آنرا ندانند تا رهائیشان را به شمر برسانند. درک این نکته برای پیشروی ضروری است.

این پیشروی، توسط همه کسانی که تولستوی را "وجدان جهانی" و "موزگار زندگی" خوانده اند به تاخیر افتاده است. ایسین دروغیست که لیبرالها، آگاهانها - نه بدان دامن میزنند تا بنوانند جنبه ضد انقلابی آموزه تولستوی را بکار بگیرند. برخی از سوسال دمکراتهای سابق نیز، به پیروی از لیبرالها، این دروغ درباره تولستوی به عنوان "موزگار زندگی" را تکرار می کنند.

مردم روسیه، تنها زمانی رهایی خود را تضمین می کنند که این نکته را دریافته باشند که از تولستوی نیست که پیروزی زندگی بهتر را باید بیاموزند، بلکه از طبقه ای باید این درس را فراگیرند که تولستوی به اهمیتش پی نبرده بود، و فقط آن طبقه است که قادر به ویران ساختن آن دنیای کهنی است که تولستوی آنچنان بدان کینه می ورزید. آن طبقه، پرولتاریاست.

(۱) منظور از انقلاب ۷ - ۱۹۰۵ روسیه است

رابوچا پاگازتا، شماره ۲
۱۸ (۳۱) دسامبر ۱۹۱۰
مجموعه آثار، جلد ۱۶
صفحات ۴ - ۳۵۳

بقیه مروری بر ...

آمار دولتی.

- (۱) مصطفی کمال حکومت بورژوازی خود را لائیک اعلام کرد و در مقابل امپراطوران عثمانی که خود را خلیفه اسلامی می نامیدند، سیاست بورژوازی در پیش گرفت. اما با بهره گیری از نقش ارتجاعی مذهب در به انحراف کشاندن قیام توده - ای بهمین ۵۷ در ایران امیر - یالیستها را بر آن داشت تا در کودتای ۱۹۸۰ ترکیه از عامل بازدارنده و ارتجاعی اسلام نیز در نجات سرمایه ممدد گیرند.
- (۲) در ترکیه از سال ۱۹۶۰ تا کنون ۵ کودتای نظامی انجام گرفته و نیروهای مسلح به منظور نجات سرمایه هر ۵ سال خود را تا چاره مداخله مستقیم دانسته اند که از این ۵ کودتا ۳ کودتا نا موفق بوده است.
- (۳) اوزال بجای دمیرل مسئول گردید تا نقش نا تمام وی را در خدمت به سرمایه بزرگ به اتمام رساند و حزب عدالت دمیرل به حزب ما در وطن اوزال استحاله یافت. حزب عدالت که پس از کودتا ظاهراً منحل گردیده بود، اعضای حزب مادر وطن و حزب راه راست بوجود آوردند.
- (۴) ینی عصیر (Yeni asir) ژوئن ۱۹۸۶.
- (۵) سالنامه ۱۹۸۴ - انستیتو آمار دولتی.
- (۶) روزنامه جمهوری آذربایجان ۱۹۸۶.
- (۷) این سندیکا وابسته به کنفدراسیون اتحادیه های قانونی - فرمایشی کار - ترک (TURK-IS) می باشد. (در مورد کار - ترک به توضیح شماره ۳۶ مراجعه شود.)
- (۸) ینی عصیر (Yeni asir) ۲۵ مه ۱۹۸۶ - گزارش سالانه سندیکای پترول - ایش.
- (۹) از سخنرانی "دوغو - پرینچک" (Dogo Perincek) در کنفرانس ویژه (PETROLIS) "مجله ساچاک" - شماره ۲۹ تاریخ ژوئن ۱۹۸۶.
- (۱۰) روزنامه دیلی نیوز ترکیه به زبان انگلیسی روزهای ۲۶، ۲۷ و ۲۸ نوامبر ۱۹۸۴.
- (۱۱) ینی عصیر - دوم ژوئن ۸۶.
- (۱۲) روزنامه دیلی نیوز ترکیه ۲۷ و ۲۸ و نرخ دلار نسبت به لیر در سال ۱۹۸۴ در نظر گرفته شده است.
- (۱۳) دیلی نیوز ترکیه - ۲۸ نوامبر ۱۹۸۴.
- (۱۴) دیلی نیوز ترکیه روزهای ۲۶، ۲۷ و ۲۸ نوامبر ۱۹۸۶.
- (۱۵) جمهوری آذربایجان ۲۹ مه ۱۹۸۶.
- (۱۶) دیلی نیوز ترکیه ۲۶، ۲۷ و ۲۸ نوامبر ۱۹۸۴.
- (۱۷) جمهوری آذربایجان ۲۳ مه ۱۹۸۶.
- (۱۸) آمار تشکیلات برنامه - ریزی دولتی.

مصوبات کنگره های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی

نظریه اینکه مصوبات کنگره های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در زمینه تجدیدنظرطلبی در مارکسیسم - لنینیسم و نفی جوهر انقلابی آن، از اهمیت بسزایی برخوردار است و با توجه به این موضوع که احزاب و سازمانهایی، چه در صف انقلاب و چه در جبهه ضد انقلاب، رسالت دفاع از این تزه های انحرافی را به عهده گرفته و آن را به عنوان مارکسیسم - لنینیسم اصیل و خلاق تبلیغ می نمایند، ما از این شماره به بعد میادرت به چاپ این مصوبات می نمایم، با شدت این اقدام ما هر چه بیشتر نقاب از چهره رفرمیستها و اپور-تونیستها، این دشمنان همیش کارگری بگشاید. "جهان"

و همکاری نزدیک شوروی با سایر کشورهای سوسیالیستی است. نقش حسابی را بازی کرده اند. کنگره اقدامات صحیحی را که ک.م.ح.ک.ش در زمینه صنعت و کشاورزی در دوره گذشته اتخاذ نموده تا اید می کند و معتقد است که این اقدامات قدمی به پیش در راه افزایش قدرت کشور، شکوفایی اقتصاد سوسیالیستی و افزایش قابل توجه رفاه و آسایش مردم شوروی است. کنگره تصریح می کند که فعالیت پرثمر ک.م.ح.ک.ش، اساساً بر روی پیاده کردن خلاقانه مکتب م.ل در حیطه عمل بر روی حفظ پرنسیپهای لنینیستی رهبری دسته جمعی و دمکراسی داخلی حزب، و بر روی اجرای مداوم رهنمودهای لنین مبنی بر اتحاد شکست -

ناپذیر حزب و مردم متکی بوده است. کنگره معتقد است که در زمینه روابط بین المللی، دوره گذشته شاهد بهبودی در اوضاع کلی و ظهور دورنمای واقعی استحکام صلح در صحنه جهانی بوده است. جمهوری خلق چین و سایر کشورها - های دمکراتیک توده ای در مقاطع لازم، اقدامات مهمی در زمینه سیاست خارجی و به منظور دادن زدن به جو صلح و امنیت اجتماعی اتخاذ نموده اند. این اقدامات توسط کلیه نیروهای صلح طلب تأیید و تصدیق شده است. سیرو قایع عمومی در مجموع به روشنی تغییرات بنیادی را در پیشرفت اوضاع بین المللی در جهت تشدید مواضع سوسیالیسم نشان می -

پس از شنیدن و به بحث گذاشتن گزارش فعالیت کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی که توسط دبیرکل کمیته مرکزی حزب، ن.خروشچف قرائت شد، کنگره بیستم ح.ک.ش تصمیمات زیر را اتخاذ نمود:

- تا اید کامل کل خط سیاسی و فعالیت عملی ک.م.ح.ک.ش - تا اید پیشنهادات و نتایج ک.م.ح. در مورد گزارش فعالیتها کنگره در کمال رضایت پیشرفتهای قابل توجهی را در مبارزه برای ساختمان کمونیسم در شوروی و برگزاری صلح در سراسر جهان مشاهده نمود. در این مورد سیاست لنینیستی ک.م.ح. و دولت شوروی، تلاشهای مردم این کشور

دهد. خروج سوسیالیسم از چار-
چوب یک کشور و تبدیل آن به
یک سیستم جهانی از یک سو و
عدم توانائی در جلوگیری از
گسترش این امر در یک پروسه
تاریخی از خطوط اساسی عصر
ما می باشد. در شوروی، همچنین
در جمهوری خلق رومانی، در
جمهوری خلق بلغارستان، در
جمهوری خلق آلبانی، در
جمهوری دمکراتیک آلمان، در
جمهوری دمکراتیک کره،
در جمهوری خلق مغولستان و
در جمهوری دمکراتیک ویتنام
امر شکوفایی اقتصادی و
فرهنگی، آسایش و رفاه کارگران
و زحمتکشان، اتحاد سیاسی و
فردی (روحی) خلقها ادامه
داشته و توده های مردم هر روز
بیش از پیش به احزاب کمو-
نیست و کارگری و حکومت های
انتخابی خود نزدیک می شوند.
در یوگسلاوی پیشرفتهای مهمی
در امر ساختن سوسیالیسم
انجام می گیرد. در کشورهای
در مسیر سوسیالیسم قرار دارند
شکوفایی اقتصادی برپایه
سالمی دنبال می شود و همزمان
با آن همکاری نیز برپایه
برابری و کمک برادرانه، هر
روز افزایش می یابد.

کشورهای کاپیتالیستی
که اکنون سطح کمتری از جهان
را اشغال می کنند باز هم در
درون خود دچار تضادهای عمیقی

هستند. شکوفایی تولیدی
کاپیتالیسم که پس از جنگ، در
ده سال اخیر به علی نظیر
نظامی شدن اقتصاد و فروش
اسلحه، تشدید گسترش اقتصادی
در حیطه جهانی، تجدید سرمایه
ثابت و افزایش استثمار
کارگران انجام گرفت قادر به
ثبات اقتصاد کاپیتالیستی
نبود و برعکس، اقتصاد
کاپیتالیستی باز هم بی ثبات
شد. بحران عمومی سیستم
کاپیتالیسم روز بروز وخیم تر
می شود. عمیق ترین تضاد
کاپیتالیسم یعنی تضاد میان
وضعیت فعلی نیروهای مولده
و مناسبات تولیدی کاپیتالیسم
روز بروز شدیدتر می شود.
تضاد میان دولت کاپیتالیستی
در مورد بازارهای جهانی و
مناطق تحت نفوذ بالا گرفته
است. تضادهای احتمالی
افزایش یافته و وخیم تر می
شوند، به دنبال تشدید استثمار
طبقه کارگر، بالا رفتن قیمت
مایحتاج، بالا رفتن ناگهانی
مالیات و منظور اجرای اهداف
نظامی و بیکاری مزمنی که
گریبانگیر برخی از کشورهای
کاپیتالیستی شده، سطح زندگی
کارگران دچار افت شده است و
به همین دلیل نیز مبارزه طبقه
کارگر و بخش وسیعی از توده ها
بمنظور کسب حقوق و منافع خود
حادثه است. کاپیتالیسم
دیگر قادر به جلوگیری از

بحرانهای اقتصادی و اجتماعی
نیست.

در چنین شرایطی، دو
راه کاملاً متضاد در مسیر حوادث
بین المللی مشخص شده است.
از یک سو، نیروهای
امپریالیستی که توسط مجامع
ارتجاعی آمریکا رهبری می
شوند، از پس از جنگ دست به
اعمال سیاست "وضعیت قدرت"
(۱) زده اند. این سیاست از
سوی وحشی ترین عناصر امپریا-
لیسم دیکته می شود و هدف آن
سرکوب جنبش کارگری، جنبش
های دمکراتیک و آزادبخش
ملی، انهدام کمپ سوسیالیسم و
استقرار تسلط خود در مقیاس
جهانی می باشد. این سیاست در
عمل به معنای مسابقه تسلیحی
- تی لحام کسب شده ای می باشد
بدین ترتیب که پایگاه های
نظامی آمریکایی در تمام طول
روز شوروی و کشورهای
دمکراتیک توده ای برقرار شده
است. از سوی دیگر بلوک هایی
بر علیه کشورهای کمپ سوسیالیستی
و منظور حمله به آنها
ایجاد شده و بالاخره ضمن دامنه
زدن به "جنگ سرد" گسترده ای
بر علیه دولت سوسیالیستی،
جنگهای خونین دیگری تدارک
دیده شده است.

از سوی دیگر نیروهایی
که برای ایجاد صلح پایدار و
امنیت خلقها در سطح جهانی
مبارزه می کنند، روز به روز

وسیع ترونیرومندتر می گردند . این نیروها بر علیه جنگهای احتمالی و بمنظور همزیستی مسالمت آمیز بین دولی که به سیستمهای اقتصادی واجتماعی متضادی تعلق دارندند ، مبارزه حادی را دامن میزنند آنچه که در این بین نقش تعیین کننده را بازی می کند ، گسترش دامنه نفوذ کمپ جهانی سوسیالیسم بر روی وقایع دنیا می باشد . نیروهای طرفدار صلح بدلیل ظهور یک گروه دولت صلح طلب در اروپا و آسیا ، افزایش یافته اند . این دول اعلام نموده اند که محور سیاست خارجی آنها ، عدم شرکت در بلوک های نظامی می باشد . بدین ترتیب طیف وسیعی از عناصر طرفدار صلح تشکیل شده که دول صلح طلب سوسیالیست یا غیر سوسیالیست اروپا و آسیا ، یعنی بیش از نیمی از جمعیت کره زمین را در بر می گیرد .

تلاشی سیستم استعماری امپریالیسم یکی از وقایع مهم تاریخی جهان در دوره پس از جنگ جهانی می باشد . طی ده سال گذشته ، مبارزات آزادی بخش ملی خلقهای مستعمره و نیمه مستعمره پیروزیهای فراوانی ببار آورده است : بیست و یک میلیون رادو دو بیست هزار میلیون نفر ، یعنی قریب به نیمی از جمعیت کره زمین خود

را از قید وابستگی استعماری و نیمه استعماری رها نموده اند و مسئله نابودی کامل سیستم استعماری در دستور کار روز قرار دارد . در تاریخ جهان ، دوره جدیدی که توسط لنین کیرنیزیش بینی شده بود ، ظهور کرده است . خلقهای مشرق زمین نقش فعالی در سرنوشت خلقهای جهان بازی کرده و به عامل جدید و نیرومندتری در زمینه روابط بین المللی مبدل شده اند .

احزاب کمونیست که امروز بمثا به مرکز مبارزه برای حفظ صلح ، منافع کارگران و استقلال ملی کشورهای خود می باشند ، در مقابل خطر جنگ به عنوان فعالترین و معقولترین مبارزین قلمداد می شوند .

تعداد محافلی که مواضع ضد جنگ اتخاذ می نماید - بیند نیز کثیر می باشد . تشکیل جبهه متحدی توسط کلیه نیروهای مخالف جنگ ، امر مهمی در جهت تقویت صلح می باشد . این نیروها نباید کوشش خود را در جهت مبارزه برای حفظ صلح رها سازند . پایان دادن به انشعابات درون جنبش کارگری و برقراری ارتباط واقعی میان احزاب کمونیست و سوسیالیست و همچنین میان احزابی که فی الواقع علاقمند

به دفاع از صلح ، مبارزه علیه ستم امپریالیسم ، دفاع از منافع ملی خلقهای کشورهای خود ، دفاع از دمکراسی و استقلال می باشند ، امر بسیار مهمی در این زمینه است .

کنگره سیاست خارجی صلح را که توسط ک.م.ج.ک.ش و دولت شوروی اعمال می شود تأیید می کند . اعمال این سیاست باعث بدست آمدن موفقیتهای مهمی در امر تشنج زدایی بین المللی ، تقویت صلح و استحکام مواضع نیروهای دمکراتیک شده است .

کنگره بیستم حزب معتقد است که خط ک.م. و دولت شوروی مبنی بر اعمال پرنسیپهای لنینی و همزیستی مسالمت آمیز در جهت بهبود روابط و تقویت اعتماد دوجانبه و همکاری با کلیه کشورها مطلقاً صحیح می باشد . اصول پنجگانه روابط بین المللی که توسط بسیاری از دول و طیف وسیعی از مجامع و افکار عمومی ، به رسمیت شناخته شده است ، می

توانند نقش مهمی در این جهت ایفا نماید . این اصول عبارتند از احترام متقابل به تمامیت ارضی و قلمرو کشورها ، عدم تجاوز ، عدم دخالت در امور داخلی ، گسترش روابط بین دول بر مبنای برابری و امتیازات دوجانبه ، همزیستی

مسالمت آمیز و همکاری را قضاوت
در شرایط حاضر، این اصول
بهترین نوع رابطه میان دول
مختلف با رژیم های اجتماعی
متفاوت می باشد و می تواند
باید روابط صلح آمیز و با
دوام دول جهان را تشکیل دهد.

سیر زندگی، صحت و
مساعدت پیشنهادات شوروی،
جمهوری خلق چین و سایر دول
صلح طلب را مبنی بر خلع سلاح،
ممنوعیت سلاحهای اتمی و
نبرد روزنی، و تضمین امنیت
عمومی دز اروپا و آسیا را تأیید
کرده است. حل جنین مشکلات
مهمی زمینه صلح مستحکم و با
دوامی را آماده کرده و در حل
سایر معضلات مهم و لاینحل را از
جمله مسئله آلمان، فراهم می-
سازد.

برقراری روابط
دوستانه و مستحکم میان شوروی
و آمریکا، دوا بر قدرت جهان، و
همچنین میان شوروی و سایر
قدرت های بزرگ نظیر انگلیس
و فرانسه دارای اهمیت نسائی
در استحکام صلح در سراسر جهان
می باشد.

کنگره بیستم اقداماتی
را که در این جهت از سوی شوروی
انجام گرفته مسا عد و صحیح
ارزیابی می کند.

صلح پایدار و امنیت
خلق های اروپا مستلزم بهبود
روابط میان شوروی و سایر

کشورهای اروپای غربی می -
باشد. منفعت شوروی
بریتانیای کبیر، فرانسه،
ایتالیا، لهستان، چکسلواکی،
یوگسلاوی، سوئد، فنلاند، نروژ،
یونان، اتریش و سایر کشورهای
اروپائی ایجاب می کند که از
بروزیک جنگ دیگر در اروپا
جلوگیری شود. چرا که این قاره
صحنه اصلی ترین نبردهای جنگ
اول و دوم جهانی بوده است.

منافع خلق آلمان نیز در این
زمینه همین مسئله را ایجاب
می کند. بدین ترتیب کلیه دول
و خلق های اروپا حول منافع
مشترک خود مبنی بر دفع جنگها
مسلح دیگری، متحد می باشند.

گسترش و تقویت روابط
دوستانه و همکاری میان شوروی
و کشورهای شرقی نیز قادر به
ایفای نقش مهمی در وضعیت
جهانی حاضر می باشد. کنگره
بیستم اهمیت بسزایی برای
حل این مشکل قائل می شود و
برقراری اخیر روابط دوستانه
میان شوروی با جمهوری
هندوستان، بیرومانی و افغان-
نستان و مصر را تأیید می کند.

قاطعیت خلق های کشور
- های عرب در مورد حفظ و بقای
استقلال ملی خود پاسخی به
هدف استحکام صلح و دمکراسی
می باشد.

کنگره بیستم در کمال
رضایت اذعان می دارد که

روابط دوستانه و مسا عد
همسایگی میان شوروی و قریب
به کل کشورهای مجاور برقرار
شده است. بدون شک ایحاد
روابط عادی میان شوروی و
ایران، ترکیه و پاکستان مطابق
منافع حیاتی این کشورها و
صلح و امنیت خلقها می باشد.

تجارت بین المللی و
رشد روابط فرهنگی قادر به
ایفای نقش حائز اهمیت در
جهت استقرار همکاری میان
کشورها می باشد.
کنگره بیستم معتقد
است که در حال حاضر، مسائل
مهم اصول مربوط به رشد فعلی
بین المللی، از جمله همزیستی
مسالمت آمیز و سیستم، امکان
پیش بینی جنگ در دوران حاضر
و شیوه های گذار کشورهای
مختلف به سویالیسم دارای
اهمیت خاصی می باشند.

اصل لنینی همزیستی
مسالمت آمیز سیستم های
اجتماعی متفاوت خط کلی
سیاست خارجی شوروی بوده و
می باشند.

با هدایت شورمان به
سوی ساختمان کمونیسم، حزب
ما با قاطعیت با آغاز جنگ
مخالفت می کند. حزب از هنمود
تغییر نا پذیر لنین "تشکیل
یک سیستم اجتماعی نوین در
هر کشور جزء امورد داخلی مردم
همان کشور می باشد"، پیروی

می‌نماید. کنگره با کمال رضایت شاهد نفوذ روزافزون اصل همزیستی مسالمت‌آمیز می‌باشد.

مهمترین وظیفه اتحاد شوروی، کشورهای سوسیالیستی سایر کشورهای صلح‌طلب و وسیعترین توده‌های مردم کلیه کشورها، حفظ صلح مستمر و پیش‌بینی جنگها و یورشهای نوین می‌باشد. در شرایط بین‌المللی حاضر، برای جلوگیری نیروهای مهاجم امپریالیسم از درگیر کردن مردم در جنگهای جدیدی که بدلیل مدرن بودن و سطح تکنیک نظامی جرف‌قرو ویرانی و مصیبت حاصلی برای آنها نخواهد داشت، امکانات واقعی وجود دارد. سیستم سرمایه‌داری، دیگر تنشها سیستم اجتماعی موجود در جهان نیست. در مقابل آن کمپ نیرومندی متشکل از کشورهای سوسیالیستی وجود دارد که طرفدار صلحی می‌باشد که از طریق آن نیروهای صلح‌طلب بتوانند امکانات مادی و معنوی پیش‌بینی یک تهاجم جدید را تدارک ببینند. در کنار آن دول دیگری وجود دارد که نماینده صدها میلیون نفر می‌باشند و به شدت با جنگ مخالفت می‌کنند. جنبش نیرومندی نیز به هواداری از صلح کلیه خلقها وجود دارد. جنبش کارگری کشور

های کاپیتالیستی بصورت نیروی عظیمی خود را مطرح ساخته است.

در چنین شرایطی بدون شک تزلزلین نیز بقوت خود باقی می‌ماند که طبق آن تا روزی که امپریالیسم وجود داشته باشد، زمینه اقتصادی آغاز جنگهای جدیدی نیز وجود دارد. بدین جهت ما نیز باید هوشیاری خود را حفظ کنیم. تا روزی که کاپیتالیسم در جهان وجود داشته باشد، نیروهای ارتجاعی مدافع منافع انحصارات کاپیتالیستی سعی خود را در جهت دامن زدن به اعمال نظامی و تهاجم ادامه خواهند داد و کوشش خواهند نمود که جنگ دیگری را آغاز نمایند. با این وجود، جنگ محتوم و مقدور نیست. در حال حاضر قدرتهای اجتماعی و سیاسی نیرومندی وجود دارد که امکانات جدی جلوگیری از آغاز جنگ امپریالیستی را در اختیار دارند. این قدرتها همچنین توان مقابله با تجاوزگران و خنثی نمودن نقشه‌های ماجراجویانه آنها را دارا می‌باشند. بدین منظور می‌بایست کلیه نیروهای مخالف جنگ مراقب و هوشیار بوده، متحداً جبهه تشکیل داده و تلاش خود را در جهت حفظ و استحکام صلح‌رها سازند.

همراه با ایجاد تغییرات مهم تاریخی به نفع سوسیالیسم و در سطح جهان، دورنمای جدیدی برای گذار کشورها از کاپیتالیسم به سوسیالیسم بوجود آمده است.

ح. ک. ش. از این نظریه لنین الهام می‌گیرد که: "کلیه ملتها به سوسیالیسم گذار خواهند کرد، این امر غیر قابل اجتناب است، ولی شیوه گذار همگی آنها کاملاً یکسان نخواهد بود. هر یک با مشخصات خاص خود بشکلی از دمکراسی یا دیکتاتوری پرولتاریا خواهند رسید و روند تغییر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی همگی آنها به سوسیالیسم یکسان نخواهد بود."

تجربه تاریخی رشد و پیشرفت کشورهای سوسیالیستی این نظریه لنین را ثابت کرده است. امروز در کنار شیوه شورایی با سازی جامعه بر پایه اصول سوسیالیستی، شیوه دمکراسی توده‌ای وجود دارد که در طی ده سال کلیه جنبه‌های آن آزمایش شده و به ثبوت رسیده است. همچنین در کشور-های دمکراسی توده‌ای اختلافات و تقاطعهای فراوانی بر حسب شرایط هر کشور مشاهده شده است. (بعنوان مثال) جمهوری خلق چین خطوط خاص خود را در شیوه ساختن سوسیالیسم

لیسم دارا می باشد. قبل از پیروزی انقلاب، اقتصاد این کشور بسیار عقب افتاده بود و خصوصیت نیمه فئودال، نیمه استعماری داشت. دولت توده ای دمکراتیک چین، پس از تصرف قدرت، راه تغییر مصالحه آمیز اقتصاد دوبا زرگانی خصوصی را بمنظور جذب تدریجی آنها در اقتصاد سوسیالیستی در پیش گرفته است.

بسیار طبیعی است که شیوه های گذار کشورهای سوسیالیسم هر چه بیشتر متفاوت باشد. گذار به سوسیالیسم ضرورتاً و در کلیه شرایط موجب بروز جنک داخلی نمی شود. لنینیسم چنین می آموزد که طبقات حاکم داوطلبانه قدرت را رها نمی کنند. لیکن درجه خشونت مبارزه طبقاتی برای گذار به سوسیالیسم و لزوم یا عدم لزوم کاربرد قهر، بیش از آنکه به پیرولتاریا بستگی داشته باشد، به میزان مقاومت استثمارگران در مقابل اراده عظیم کارگران و به کاربرد قهر توسط طبقه استثمارگر بستگی دارد.

بدون شک برای کشورهای هائی که کاپیتالیسم در آنجا هنوز قوی بوده و دستگاه عریض و طویل نظامی و پلیسی را کنترل می کند، تشدید ناگهانی مبارزه طبقاتی ناگزیر می باشد.

در عین حال بدلیل بروز تغییرات بنیادی به نفع سوسیالیسم در صحنه جهان و افزایش قابل توجه اعمال نیروی جذب سوسیالیسم بر روی کارگران، دهقانان و روشنفکران^(۲) شرایط پیروزی سوسیالیسم مساعدتر شده است. در حال حاضر در برخی از کشورهای کاپیتالیستی، طبقه کارگر به رهبری عنصر پیشرو، امکان واقعی اعمال رهبری خود را بر روی اکثریت توده ها و انتقالات شیوه های اصلی تولید به دست خلق را دارا می باشد.

احزاب بورژوازی و دولی که تشکیل می دهند روز به روز ورشکسته تر می شوند. از این پس، طبقه کارگر - با کمک دهقانان فقیر، محافل روشنفکری، کلیه نیروهای میهن پرست آماده مقابله جدی با عناصر اپورتونیستی که قادر به صرف نظر از سیاست آنتانانت با کاپیتالیستها و بازمین - داران بزرگ نمی باشند - امکان شکست نیروهای ارتجاعی و ضد خلقی و بدست آوردن اکثریت ثابتی در پارلمان و تبدیل ارگان دمکراسی بورژوازیی بوسیله ای در خدمت اراده خلق را دارد.

کنگره تاکید می کند که تنها دلیل مساعدتر شدن شرایط برای پیروزی سوسیالیسم در

سایر کشورها، پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی و دورنمای پیروزی آن در کشورهای دمکراسی توده ای می باشد. شرط اصلی این پیروزی، بدون شک پیروزی م. ل. انقلابی و مبارزه معقول و قاطع بر علیه ایدئولوژی رفرمیسم و اپورتو - نیسم بوده است.

در زمینه سیاست خارجی کنگره وظایف زیر را به ک. م. ج. ک. ش. واگذار می کند:

- کاربرد مداوم سیاست لنینیستی همزیستی مسالمت آمیز بین دول، صرف نظر از سیستم اجتماعی آنها. مبارزه فعال در جهت صلح و امنیت خلقها و اعتماد متقابل دول، حین تلاش در جهت تبدیل تشنج زدایی بین المللی به صلحی یابدار - استحکام روابط برادرانه با جمهوری خلق چین و سایر کشورهای دمکراسی بر طبق این اصل که هر چه دول سوسیالیستی متحد تر و نیرومندتر باشند، صلح مستحکم تر خواهد بود.

- تشدید روابط دوستانه و همکاری با خلقهای برادر جمهوری فدراتیو توده ای یوگسلاوی

- تشدید روابط دوستانه و همکاری با جمهوری هندوستان، اتحادیبرمانی، افغانستان، مصر، سوریه، اندونزی و سایر کشورهای طرفدار صلح

مشکلات پناهندگان ایرانی در ترکیه را بهتر بشناسیم

به نقل از: "خبرنامه پناهنده"

اندیشه فرار از ایران و رسیدن به یکی از کشورهای پناهنده پذیر در میان قشر عظیمی از ایرانیان، مسائل و مشکلات بسیاری را ایجاد کرده است، آن عده که می‌توانند از مرزهای "قانونی" عبور کرده و خود را به سرزمین دیگر برسانند در این مسیر با موانع کمتری مواجه هستند. اما آنها که باید خود و خانواده‌شان را به نحوی از ایران خارج سازند و از طرفی خروج آنها "غیر قانونی" اعلام شده و وضع دیگری دارند. پرداخت مبالغ هنگفت به شبکه‌ها و عوامل عبور از مرز کمرشکن است. افرادی که تصمیم به خروج از ایران از طریق این شبکه‌ها می‌گیرند مجبورند که کلیه دار و ندار و سایر معیشت خود را به حراج گذاشته و مبلغ گرانی را به این عوامل پرداخت کنند، پیمودن راه‌های ناهموار و کوهستان‌های مرزی طی چندین شب و روز متوالی، وحشت و اضطراب، خستگی مفرط و ترس از دستگیری توسط عوامل رژیم خود مسئله دیگری است. با رسیدن به اولین روستاهای مرزی ترکیه انسان چنین می‌پندارد که سفر به پایان رسیده و مشکلات تمام شده است اما ناافل

از اینکه این تازه آغاز راه است. چرا که اولین مشکل حرکت از این روستاها و رسیدن به یکی از شهرهای مرزی ترکیه مانند وان، دویا یزید و حکاری است. وان یکی از شهرهای مرزی ترکیه و ایران است. فراری ایرانی مجبور است، این شهر را پشت سر بگذارد. و اینجا است که فراری ایرانی باید خود را آماده گلاویز شدن با پلیس ترک و سایر نیروهای امنیتی ترکیه سازد.

در شهر وان پلیس ترکیه تمام نیرو و تلاش خود را در شناختن و دستگیری فراریان ایرانی بکار گرفته است. ظاهر شدن در خیابان‌های این شهر حتی برای چند دقیقه خطر دستگیری را بدنبال دارد. تاکنون موارد بیشماری از دستگیری فراریان و تحویل آنها به نیروهای ایرانی دیده شده. ناگفته نماند که فراریان را قبل از تحویل بمدت چند روز حتی چند ماه در بازداشتگاه‌ها و زندان‌های مرزی تحت شکنجه‌های جسمی و روانی قرار می‌دهند و سپس آنها را به صورت گروهی روانه ایران می‌سازند. گروه‌سومی هم در میان این فراریان وجود دارد و آن کسانی هستند که به محض ورود

به شهرهای مرزی خود را به پلیس ترکیه معرفی می‌کنند. اینها نیز وضعی مشابه بقیه دارند. پلیس ترک بلافاصله آنها را بازداشت کرده و سؤال و جواب‌ها و بازجوئی‌های مکرر و طولانی همراه با خشونت و فحش و ناسزا شروع می‌شود:

که هستی؟ چکاره بوده‌ای؟ از کجا می‌آیی؟ برای چه آمدی؟ چقدر پول داری؟ سیاسی هستی؟ چرا غیر قانونی آمدی؟ و... اگر پناهنده‌ای توانست به تمام این سئوالات جواب مناسب بدهد و از این بازجوئی‌ها جان سالم بدربرد، تازه دوران اقامت یا بهتر بگوئیم حبس طولی‌المدت او در کمپ‌های آوارگان فرا می‌رسد.

ناگفته نماند که این شیوه پلیس ترکیه در گذشته بوده است. در حال حاضر هر پناهنده‌ای که خود را به پلیس معرفی کند، بلافاصله بازداشت و بدنبال آن به ایران تحویل داده می‌شود. کمپ‌آگری یکی از کمپ‌های پناهندگان است که فراریان قدیمی و پذیرفته‌شده در آن بسمی‌برند. از مرزبانان و شهرمرزی دویا یزید که بگذریم به آنسوی می‌رسیم. این کمپ در حال حاضر تعداد کثیری از فراریان

ایرانی و افغانی و عراقی را در خود جای داده است که در فضای داخلی کمپ مراقبت - های شدید پلیسی اعمال می - شود. حداقل امکانات رفاهی و بهداشتی را در این کمپ نمی توان دید. انواع بیماری - های که "زندانیان" به آن مبتلا می شوند، فراوان است. از همه اینها که بگذریم مسئول - لین کمپ آغری به همین هم اکتفا نکرده و فراریان را به کارهای شاق روزانه و بیگاری وادارند. در سالهای گذشته مدت اقامت در این کمپ ها معمولا ۳۰ تا ۵۰ روز تجاوز نمی کرد، اما در حال حاضر فراریانی هستند که برای چندین ماه در این کمپ ها بسر می برند. نکته جالب دیگر در همین رابطه اینست که در گذشته افرادی که دوره کمپ را می گذراندند می توانستند به شهرهای بزرگ رفته و از آنجا برای خروج خود از ترکیه اقدام کنند. ولی سیاست دولت ترکیه در حال حاضر تغییر کرده و هیچ پناهنده ای حق ورود به شهرهای مرکزی و بزرگ ترکیه را ندارد و باید در همان شهرهای کوچک مرزی ساکن شود. حالا این فراریان چگونه می توانند راهی برای خروج خود از ترکیه

بیا بند و چگونه می توانند به شعبه سازمان UN که فقط در دو شهر استانبول و آنکارا ادایسر است، دسترسی پیدا کنند، خود جای سؤال است.

ایرانی فراری برای خروج از ترکیه دورا به بیشتر در پیش ندارد، یکی متوسل شدن به قاچاقچیان که با مبالغ بسیار گزافی ویزای این یا آن کشور را می فروشند و تازه غالبا هم عملیاتشان ناموفق و ناتمام می ماند و در فرودگاهها بین راه پناهندگان را کت - بسته تحویل پلیس می دهند و دوباره بازگشت به ترکیه و ... راه دوم: مراجعه به UN است، پذیرفته شدن توسط UN و قبولی در مصاحبات اولیه "شانسی" است که نصیب هر پناهنده ای نمی شود. پناهندگان گمانی هستند که مراحل پذیرش آنها از جانب UN اما هم به طول می انجامد.

موارد بسیاری دیده شده که پناهندگان با وجود آنکه تحت پوشش UN بوده اند از قلب شهرهایی چون آنکارا و استانبول به ایران بازگردانده شده اند.

با توجه به مشکلات و مسائلی که از ابتدای ورود به ترکیه پیش روی پناهندگان ایرانی قرار دارد، این سؤال مطرح می شود که برای حل این

مشکلات یا به حداقل رساندن آنها چه باید کرد؟ کدام مرجع را باید مورد باخواست قرار داد؟ به کدام دادگاه باید شکایت برد؟

پاسخ این سئوالات برای ما روشن است. برای ما که نوک تیزترین تیزه های دژ خیمن رژیم جمهوری اسلامی را بر تارک خود لمس کرده ایم و با بیرون جستن از زیر آن، تولد دوباره یافته ایم. همه ما خوب می دانیم، دادگاه های که در آن باید مسیب و عامل اصلی این همه فلاکت و سرگردانی و آوارگی مجازات شود در انقلاب آتشی ایران تشکیل خواهد شد و کیفرخواست رژیم جمهوری اسلامی را همه ستم دیدگان با دستهای توانای خود خواهند نوشت. همه ما روزی با خواهیم گشت و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را جشن خواهیم گرفت.



دو خبر ارجع به پناهندگان

"احساس مسئولیت" UN در قبال پناهندگان

به اطلاع رسیده، چندی پیش یک پناهنده ایرانی در استانبول توسط پلیس دستگیر و تحویل ایران داده می شود. نکته جالب اینجاست که در حین انتقال این پناهنده به ایران

با کمکهای مالی خود سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را در امر انقلاب یاری رسانید

کرون	سوئد	هزار لیر	مارک	مارک	م - آغاز مجدد
۱۵۰	کمپ موهدا	زنده باد استقلال	۱۰۰	رفیق نابدل	صدای فدائی
	انتقال جهان	طبقاتی کارگران ۵۰	۱۰۰	رفیق اسکندری	انگلیس
۳۰۰	به فرانسه	زنده باد سچفا ۵۰	۱۰۰	رفیق پویان	رفیق هادی
	همته های سرخ	اسماعیل رودگریان ۵۰	۱۰۰	رفیق صمد	رفیق نسترن
۸۰۰	فدائی	۵	۳۵	رفیق شانه چی	هدیه شمارسید
۲۰۰	هسته رفیق نسترن	۵	۵۰	س ۲۰	آلمان
۵۰۰	سرمه چاران فدایی	فرانک	۱۵۰	مارک واحدترین	فرانکفورت
۵۰۰	رفیق سلطان نیور	۲۰۰	۱۰۰	واحد	دی ۴۲
	مرگ بر	۱۵۰	س - ل - لیل	هاید لبرگ	بزرگداشت قیام و
۳۵۰	اپورتونیسیم	۱۲۰	بیژن حزنی	سیاهکل و قیام	سیاهکل
۳۵۰	خط سرخ فدایی	۱۵۰	عزیز سرمدی	رفقای هاید لبرگ	سمینار سراسری
	رفیق کبیرهای	۵۰	بخشور	ایتالیا	هامبورگ
۳۰۰	لنگرودی	انوشه فضیلت کلام -	هزار لیر	زنده باد اخلاق	ریز ۹۸۶
۵۰۰	شهدای گمنام	هدیه شمارسید	۵۰	انقلابی	اُئل ها و اسی (۱)
	زنده باد	فروز	۵۰	مرگ بر	اُئل ها و اسی (۲ و ۱)
۶۵۰	سوسیالیسم	کرون	۱ - م ۵۰	اپورتونیسیم	اُئل ها و اسی (۲)
۴۵۰	حمید اشرف	۱۰۰			کاوه م - ع
۴۰۰	رفیق اسکندر				بیژن جنتی س - ع
۱۰۰۰	سعید - صمد				هفته زنان هامبورگ
۳۰۰	بدون کد				برلن
	مرگ بر				رفیق نظام
۶۰۰	اپورتونیسیم				رفیق هادی
۹۰۰	رفقای استکھلم				رفیق کاظم
۷۰۰	آکسیون اعتراضی				رفیق سعید
۵۰۰	استقلال طبقاتی				سلطان نیور
۸۰۰	شوراهای کارگری				رفیق جهان
۲۰۰	بدون کد				رفیق سیادت
۱۰۰۰	مرگ بر جنگ				

کمکهای مالی خود را به حساب

**AAH
739066 F
Credit Lyonnais
134 Bd. Voltaire
75011 Paris
France**

واریز نمایید و رسید بانکی را به همراه کد
دلخواه خود به نشانی زیر بفرستید

**ACP
BP 54
75261 Paris, cedex 06
France**

من

این گل را

می شناسم

در سالگرد به خون تپیدن فدائی خلق

رفیق امیر پرویز پویان

خون گوزن، جنگل پویان دیگری ست

بعد از صدای پویان

بعد از حریق سوخته شعله ور

بعد از حریق توفان

بعد از صدای جنگل

ایران

دیگر

مانند رودخانه خونینی ست

مسواند سرباب کارزنگای گدل نامی اسرار
و جهان را از نسانی های ریز درخواست کند

R.E., Postfach 831135,
6230 Frankfurt M80,
W. Germany.

آلمان

Hadi, P.O. Box 419
N.Y., N.Y. 10185,
U.S.A.

آمریکا

M.R. KASH
South Kensington S.D.O
25 A Exhibition Road
London SW 7
United Kingdon

انگلستان

H-N
C.P. 688
Padova
Italie.

ایتالیا

E.J., B.P.8,
1050 Bruxelles 5,
Belgique.

بلژیک

K-U 32, P.O. Box 8418,
Pakistan.

پاکستان

I.S.F.
Box 7125
171017 SOLNA
Sweden

سوئد

A.E.J.F., B.P. no 401
75962 Paris Cedex 20,
France.

فرانسه

J.S.S., P.O. Box 372, Ab aAhurtsic Station,
Montreal P.Q., H3L 3N9,
Canada.

کانادا

J.S.O.U., P.B. 12,
7082 Kattem,
Norway.

نروژ

P.O. Box 7051,
New Delhi 65,
India.

هند



پوزش : به علت فشرده گی مطالبه
صفحه های " از خوانندگان " و
" واژه های روز " در شماره بعدی
به چاپ خواهد رسید .

گرچه ما میگذریم

راه میماند

یادواره به خون نپیدگان

غم نیست!

رفیقان مرگ ترا باور نمیکنند،
چرا که دشمن
به مرگ تو باور نکرده است.
مرگ تو معوق غم را
از هم شکافت

و دیدند همسران تو
تعداد دشمن خلق را

با شهادتت ای رومی!



اسامی برخی از شهدای فدایی خرداد ماه
و تیرماه

سایر شهادت

اسامی خانواده‌ها

- ۱۳۵۵ سر ۸
- ۱۳۵۵ سر ۸
- ۱۳۵۵ سر ۸
- ۱۳۵۵ سر ۸
- ۱۳۵۵ سر ۸
- ۱۳۵۶ سر ۱
- سر ۱
- ۱۳۵۷ سر ۱۵
- ۱۳۵۷ سر ۱۵
- ۱۳۵۷ سر ۱۵
- ۱۳۵۸ سر ۲۱
- ۱۳۵۹ سر ۶
- ۱۳۵۹ سر ۲۳
- ۱۳۶۰ سر ۱
- ۱۳۶۰ سر ۶
- ۱۳۶۰ سر ۷
- ۱۳۶۰ سر ۷
- ۱۳۶۰ سر ۱۵
- ۱۳۶۰ سر ۱۸
- ۱۳۶۰ سر ۲۵
- ۱۳۶۰ سر ۲۱
- ۱۳۶۰ سر ۲۱
- ۱۳۶۰ سر ۲۷

- ۲۳ خرداد ۱۳۲۹ ظاهره حرم
- ۳ خرداد ۱۳۵۰ سنگر حسن اسزده
- ۳ خرداد ۱۳۵۰ محمد مهدی فوقانی
- ۳ خرداد ۱۳۵۰ علامعلی خراط سور
- ۹ خرداد ۱۳۵۰ علی اکبر ورسری
- ۱۱ خرداد ۱۳۵۲ کاظم مینائی
- ۲۸ خرداد ۱۳۵۲ محمدعلی خسروی اردبیلی (در طغاری)
- ۲۸ خرداد ۱۳۵۲ فرزاداب حسینی
- ۲۸ خرداد ۱۳۵۲ مایه احمد هاشمی
- ۵ خرداد ۱۳۵۵ سمنی سوکلی
- ۵ خرداد ۱۳۵۵ مایه طالع خلیلی
- ۸ خرداد ۱۳۵۵ رکنی برمنستان
- ۳۱ خرداد ۱۳۵۵ سارک ابدی
- ۳۱ خرداد ۱۳۵۵ بهمن زینب حدادی
- ۱ خرداد ۱۳۵۷ محمدرضا امیر قضاة آید
- ۱ خرداد ۱۳۵۷ میرزا انصاری
- ۳۱ خرداد ۱۳۵۷ سعید فریاد
- ۳۱ خرداد ۱۳۵۷ نبی خصوصی
- ۲۲ خرداد ۱۳۶۰ اکبر حق ندان
- ۲۲ خرداد ۱۳۶۰ حبیب محسنی کسری
- ۲۲ خرداد ۱۳۶۰ سرو مائی
- ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ سعید رمضانی
- ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ علی اکبر خدیران
- ۳۱ خرداد ۱۳۶۰
- ۳۱ خرداد ۱۳۶۰
- ۱۲ خرداد ۱۳۶۱
- ۲۵ خرداد ۱۳۶۱
- ۲۷ خرداد ۱۳۶۱

- حسن سنگ داوودی
- امیر پرویز سوزان
- رحمت الله سرو بندری
- اسکندر صادقی نژاد
- سپهر دهنایی
- حسین نژادان خسروناهی
- علیرضا سباز رومی
- خسرو بره گل
- حسن سلاجی
- مریم ساهی
- سادر ساکنان شام اسبی
- منما طالب راهه جوسری
- علی رحمتی علی آبادی
- حسن موسوی دوستدومحالی
- رفعت معماران شام
- سلیمان سوسه حاجی محله
- سعید معینی
- حسن معصومی همدانی
- ماریا کاظمی
- منصور فرسا
- مهدی سلیمان
- سعید سلطانی سور
- منوچهر اوسنی
- جعفر فسر نژاد
- سپهر آذربان
- سعید سابعور
- شیرام مینائی (همد)
- ولی سوسی

فرم اشتراک

برای اشتراک نشریه **سازمان**، لطفا فرم زیر را تکمیل کنید و آنرا به یکی از نشانی‌های هوا داران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور بفرستید.

□ ۶ ماه

□ ۱۲ ماه

(با علامت □ مشخص کنید)

نام و نشانی

- ۱۴ سر ۱۳۵۰
- ۱۴ سر ۱۳۵۰
- ۶ سر ۱۳۵۴
- ۶ سر ۱۳۵۴
- ۶ سر ۱۳۵۴
- ۶ سر ۱۳۵۴
- ۶ سر ۱۳۵۴
- ۲۵ سر ۱۳۵۴
- ۸ سر ۱۳۵۵
- ۸ سر ۱۳۵۵
- ۸ سر ۱۳۵۵
- ۸ سر ۱۳۵۵
- ۸ سر ۱۳۵۵
- ۸ سر ۱۳۵۵

- کاظم سلاجی
- احمد حرم آبادی
- مارسک فارازان
- زهرا السادات روحی آهنگران
- علامعلی سور نعمه
- محمود عظمی بلوربان
- عداله زارع کارسری
- عداله سعیدی بندجی
- حمید اشرف
- سویف قانع خشکسجاری
- علامه لایق مهربانی
- رما سرنی
- فاطمه حسینی
- محمد حسن حنیفوار

GAHAN

Organ of the student supporters of the Organisation
of Iranian Peoples' Fedaii Guerrillas -abroad

Vol. IX

JULY 87

No: 52



برای تماس با جهان یا نشانی زیر مکاتبه کنید:
B.P. N° 401-75962 Paris Cedex 20 France